

حل مسائل اقتصادی - اجتماعی

اگر اقتصادی و اجتماعی بود، اگر که عمده ترین وظیفه دراز-تاییه جدید، پرداختن به حل اقتصادی - اجتماعی پس از است. دوران گذار پس از پیش از آن طولانی شده، این تصمیم گیری و اجرای انقلابی را در زمینه تغییرات اقتصادی - اجتماعی به تعویق انداخت. به سخی می توان که اکنون دیگر همه شرایط برای آوردن توفقات مردم ایران در زمینه تحولات اقتصادی و اجتماعی فراهم است. هم قانون مادر - قانون اساسی جمهوری اسلامی و هم ارگانهای حاکمیت - انتخابات رئیس جمهوری، تشکیل مجلس از تصویب عمومی گذشته و ایجاد شده اند. تاخیری که در تشکیل کابینه وجود داشت، گرچه با گذشتی، ولی بهر حال از میان برداشته شد و با معرفی نخست وزیر و رای تمایل مجلس به نخست وزیری آقای رجائی، مشکلات موجود در سرراه دولت نیز از میان برداشته شد. اکنون مسئله معرفی هیئت دولت به مجلس

در انتظار عمل قاطع  
۹ سوبح هیئت ۲ نفوی  
دهقانان  
چشم پراهاند

اصلاحات ارضی، یعنی ریشه کن کردن بساط بزرگ مالکی و استثمار و حشیانه اربابان، دارد وارد مرحله عملی حاس خود میشود. میلیونها دهقان زحمتکش ایرانی، که انقلاب ایران را - همچنانکه امام خمینی گفته است - انقلاب مستضعفین علیه مستکبرین میدانند، منتظرند که با انجام اصلاحات ارضی واقعی صاحب زمین بشوند. دهقانان، در زمان شاه مغفور، ۱۵ سال تبلیغات دروغ درباره «اصلاحات ارضی» شنیده اند و حالا دیگر بعد از انقلاب امیدوارند که در واقع آنچه منتظرش بودند، فرایسد، یعنی ظلم و غارتگری مالک بزرگت پایان یابد، حق به حق دار و زمین بددهقان برسد، کشاورزی شکوفان و ده آباد و زندگی بهتر شود. بقیه در صفحه ۲

به هوش باشیم  
که امپریالیسم تجاوز کار  
امریکا در راه است

چند روز پیش امام خمینی از آن سخن گفتند و آیتاله دگر بپشتی، رئیس دیوان عالی کشور در آخرین مصاحبه مطبوعاتی خود در آن باره گفت: «اطلاعات کافی درباره این توطئه بدست ما رسیده است و کسانی که باید این اطلاعات را تقییب کنند، دارند تقییب میکنند.» این توطئه حلقه دیگری از حلقات زنجیر توطئه های امپریالیستی بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران است، که باید بزعم امپریالیسم، انقلاب ایران را در خون غرق کند و رژیسی بر سر کار آورد که حافظ منافع ملی آمریکا در ایران و منطقه باشد. کمیته مرکزی حزب توده ایران، چند روز پس از توطئه نافرجام همدان، زیر عنوان «ما هشدار می دهیم» تاکید کرد که: «... توطئه خطرناک جدیدی از داخل و خارج در شرف تکوین است. در این توطئه پیش بینی شده

توطئه ای خطرناک، با ابعادی وسیع، از سوی امپریالیسم آمریکا و متحدانش علیه انقلاب ایران، در آخرین مراحل تدارک است. روزنامه نگار آمریکائی چک اندرسن، در مقاله ای برای روزنامه «واشنگتن پست» پرده از این توطئه برداشته و نوشته است: «نظامیان آمریکا طرحی برای یک حمله گسترده و قوی نظامی علیه ایران، برای کارتر تهیه دیده اند. این عملیات ظاهراً برای نجات گروگانها تنظیم شده است، اما در واقع برای تلافی شکست نظامی آمریکا در طیس و کسب حیثیت کارتر است... برای اجرای طرح حمله به ایران سه مرحله کنترل وجود دارد، که کارتر تاکنون فقط مرحله اول را پشت سر گذارده است.» این همان توطئه بزرگی است که

حملات ضد انقلاب  
به دهکهای فروش کتاب  
ادامه دارد!

در چند روز اخیر حملات عناصر ضد انقلابی به دهکهای فروش کتاب در جلوی دانشگاه و مناطق اطراف آن، شدت روز افزون و نگرانی آوری پیدا کرده است. طبق اطلاع موقت عده ای از عناصر فتنه انگیز کتابفروشیها را تهدید کرده اند که در صورت ادامه فروش کتابها و نشریات مترقی، کتابهای آنها را به آتش خواهند کشید. در این میان گروه های باوثیستی و دیگر گروه های هرج و مرج طلب چپ نما نیز با پخش برخی نشریات آشکارا تحریک آمیز، بهانه های ظاهر پسند به دست ضد انقلاب می دهند. این اعمال تحریک آمیز باید به عنوان یکی از حلقه های زنجیره عملیات خطرناک در جهت ایجاد تشنج، درگیری و تفرقه نیروها برای فراهم کردن زمینه تحقق توطئه بزرگ ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران که مقامات مسئول واقییت تدارک وسیع آنرا تایید کرده اند، تلقی شود. ما از مقامات مسئول کشور می طلبیم که برای عقیم گذاشتن این حملات تشنج آمیز و جلوگیری از تحقق توطئه وسیع تر کتابسوزی تدابیر فوری و جدی اتخاذ کنند.

برژنف و تسدنبال  
تجاوز امپریالیسم آمریکا به ایران  
را محکوم کردند

برژنف و تسدنبال، رهبران اتحاد شوروی و مغولستان، در دیداری در کریمه، مناسبات میان دو کشور و مهم ترین مسائل بین المللی را بررسی کردند. آنها یادآور شدند که همکاری میان دو کشور در همه زمینه ها توسعه می یابد و در گستره بین المللی بویژه به مسائل قاره آسیا پرداختند. برژنف و تسدنبال اعلام داشتند: «امپریالیستهای آمریکا و برتری جویان چین جو آسیا را سه می سازند و میکوشند تا وخامت اوضاع را حفظ کنند و دام زنند. نمونه های این تلاش را در بحران دیرینه خاورمیانه، در تشنجات یرامون ایران، در دسیسه های علیه افغانستان و فشار نظامی گستاخانه علیه کشورهای هندوچین مشاهده میکنیم. اتحاد شوروی و مغولستان خواهان عادی شدن اوضاع و استقرار روابط حسن مجاورت در سراسر آسیا هستند. در بیانیه مشترک اتحاد شوروی و مغولستان گفته میشود: «آسیا نیز، مانند اروپا و دیگر مناطق جهان، به آرامش نیاز دارد.»

همکاری فعال امپریالیسم انگلستان  
با امپریالیسم آمریکا بر ضد انقلاب ایران

پیل عملی سفارت انگلستان در ایران از نمونه های این همکاری فعال است

تعطیل عملی سفارتخانه انگلستان در ایران یکی از مظاهر همین سیاست واحد آنان در رویارویی با انقلاب ایران است. البته انگلیسها کوشیده اند این سیاست خود را با ظرافت و حیل عمل کنند و به مخالفت با ایران تظاهر نکنند، تا بتوانند به انقلاب، بخصوص از داخل بهتر ضربه بزنند، و امروز که آشکارا وارد میدان شده اند و بیش از پیش چهره کریمه امپریالیسم بریتانیا را آشکارا ظاهر میسازند، باید در زیر کاسه نیم کاسه خطرناکی وجود داشته باشد. چنانکه مطبوعات خارجی و همچنین مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران بارها متذکر شده اند، توطئه عظیمی بر ضد ایران، با شرکت تمام نیروهای ارتجاعی منطقه و دولتهای بزرگ امپریالیستی در شرف تکوین است. هدف این توطئه جدا کردن بخشی از ایران، ایجاد یک حکومت قلابی در آن و سپس گستردن قلمرو این حکومت به تمام ایران است. امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی مدتها روی این نقشه کار کرده اند و عناصر آنرا، که بخشی از آن ایرانی و بخش دیگر خارجی است آماده کرده اند و اکنون میخواهند آنرا پیاده کنند. در این شرایط، اگر امپریالیستهای بریتانیا با کشور ما روابط سیاسی نداشته باشند، بهتر میتوانند با دولت «آینده» همکاری کنند. تمام نشانه های دیگر نیز اثبات میکند که امپریالیسم بریتانیا سیاست ظاهری که دارومریز خود را نسبت به ایران تغییر داده و به سیاست آمریکایی اعمال زور آشکار پیوسته است. اعزام ناوهای جنگی به خلیج فارس، طرز رفتار با دانشجویان ایرانی مقیم انگلستان، شرکت در محاصره اقتصادی در تمام مواردیکه میتوانند به احیای اقتصادی ایران لطمه زنند، ملاقات اخیر سفیر انگلستان با رئیس مجلس شورای اسلامی - همراه چند سفیر دیگر - برای اعمال فشار در مسئله باصلاح گروگانها و بالاخره تعطیل عملی سفارت در ایران نشان میدهد که انگلیسها در توطئه وسیعی که علیه ایران در شرف تکوین است، نقش فعالی بعهده گرفته اند. مردم ایران باید برای درهم شکستن این توطئه ها آماده باشند، اتحاد از دست رفته را، که رمز پیروزی ما در انقلاب شکوهمند بهمین بود، احیا کنند، از بسط اختلافات داخلی، که عوامل دشمن محرك اصلی آن هستند، بپرهیزند و فریب شیادان و عوام فریبان را که «اسلام» آمریکائی را پرچم مبارزه خود بر ضد نیروهای خلقی مدافع جمهوری اسلامی ایران کرده اند، نخورند. همه با هم در راه دفاع از میهن و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران!

به بازماندگان فاجعه گچساران صمیمانه تسلیت می گوئیم

این فاجعه هستیم، زیرا با توجه به دساس و خرابکاری های گوناگون و گسترده ضد انقلاب، محتمل است - بقول حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی - «دست جنایتکاری که بقیه چنایات را انجام داده، در این مسئله هم باشد.»

روزنامه ها خبری منتشر کردند که سفارت انگلستان در ایران عملاً تعطیل شده و اکثریت نزدیک به تمام دیپلماتهای انگلیسی کشور ما را ترک کرده اند و چند نفری هم که باقی مانده اند، بزودی پانگلستان باز خواهند گشت. انگلیسها تعطیل سفارتشان را نیز مانند تمام کارهای دیگرشان مگر یکی خاص امپریالیسم بریتانیا انجام داده اند، یعنی بدون اینکه قطع روابطشان یا کم کردن کادر سیاسی شان بباخبری بدهند، در برابر عمل انجام شده ای، که عملاً بمعنای قطع رابطه سیاسی بین لت است، قرار داده اند. بدیهی است که مردم ما به اینگونه روابط، که بقول امام رابطه با محکوم و غارتگر باغارت زده است، ارج چندانی نمی بینند و از امپریالیسم انگلستان میخواهند روابط خود را با ما محدود و یا قطع سیاه نخواهند پوشید، اما از توطئه هایی که در پس این اقدام ارگران کینه کار انگلیسی نیز نهفته است، غافل نخواهند ماند. امپریالیستهای انگلیسی، چنانکه تمام اسناد و مدارک موجود، از جمله ات شاه سابق در آخرین کتابش ثابت میکند، از همان نخستین ثی که علائم اوج جنبش انقلابی در سال ۱۳۵۷ در ایران ظاهر گشت، زمین روزی که انقلاب بهمین پیروز شد، و همچنین در تمام دوران انقلاب، دست در دست امپریالیسم آمریکا بر ضد ایران مبارزه اند. هر چند تمام دنیای سرمایه داری بر ضد انقلاب ایران جبهه تشکیل داده، لیکن آمریکا و انگلستان هسته اصلی این جبهه میروند. برخلاف شایعاتی که عوامل بختیار و خودسازمانهای سی امپریالیستی پراکنده میکنند (آنها فقط در داخل ایران) بین تان و آمریکا در مسائل انقلاب ایران، از اول تا آخر، کوچکترین نظری وجود نداشته است. دلیل این مسئله نیز روشن است. رات انگلیسی و آمریکائی بزرگترین سرمایه گذاران در منطقه دیک و میانه هستند و انقلاب ایران منافع مشترک آنان را بخطر ماست. از اینرو نیز دولتهای انگلستان و آمریکا، که مدافع منافع نصارتند، بر ضد انقلاب ایران موضع مشترک اتخاذ کرده اند.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### دهقانان چشم براه

بقیه از صفحه ۹

هیئت‌های ۷ نفری اصلاحات ارضی - مطابق آیین‌نامه اجرائی قانون اصلاحات ارضی - یا تشکیل شده و مشغول عمل شده‌اند، یا دارند تشکیل میشوند. دهقانان بی‌سرنه چشم‌براهند، تا این پیک آزادی از قید ستم اربابی بیاید و هرچه زودتر مسئله مالکیت زمین را که مهمترین مسئله ارضی است، حل کند. بی‌خود نیست که وقتی استاد رضا اصفهانی به سخنرانی درورامین رفت، انبوه دهقانان، با همان سادگی و خلوص و صمیمیت خویش، مرتباً این بیت ازل برخواستند: «را، که خودشان در جمع سرورده بودند، می‌خواندند:

خدا بدست و پناحت اصفهانی  
کشاورز چشم‌براهت اصفهانی  
چرا کشاورز ایرانی چشم‌براه اوست  
و آرزوی موفقیت او را دارد؟ زیرا میدانند که استاد اصفهانی طراح برنامه اصلاحات ارضی و خواستار کوتاه کردن دست اربابان است، زیرا شنیده‌است که وی در برابر حملات دیوانه‌وار بزرگمالکان و عمال آنها، اهم از پشت‌مینتشان ادارات طاغوتی یا

روحانی‌مایان طرفدار ارباب، مردانه مقاومت کرده و بیانگر خواست‌های دهقانان تبه‌دست شده‌است.

کشاورزان چشم‌براه انجام درست برنامه آقای اصفهانی و ریشه‌کن کردن بساط اربابی هستند. دهقانان خود را آماده استقبال و همکاری با هیئت ۷ نفری کرده‌اند، و همکاری را برای سرعت عمل و حل مسئله نشان داده‌اند. بهمین جهت هم، خوشبختانه، هرچاکه افراد هیئت ۷ نفری با صلاحیت لازم انتخاب شده و طرفدار انقلاب و زحمتکش روستاها بوده‌اند و تسلیم فشار و تلمیح و تهدید مالکان بزرگ و چاق‌اندازان و روحانی‌نماهای وعاظ‌الملالکین نشده‌اند، این کار بخوبی و پدروستی سرگرفته و قانون پیاده شده است.

اما همه‌جا اینطور نیست. بعضی‌ها چوب لای چرخ می‌گذارند. کی‌ها؟ اربابان، خوانین، عمال آنها، حتی بعضی پاسکاهای ژاندارمری و برخی ادارات محلی روحانی‌نماها. چه‌بسا کار آنها بقدری رسوا و ضد دهقانان مستضعف است، که مستقیماً و علناً بین آنها و نهادهای انقلابی، نظیر جبهه سازندگی و سپاه پاسداران، اختلاف‌ظاهر میشود. این نهادها جانب دهقانان تبه‌دست

### بقیه از صفحه ۹

وفادار امپریالیسم آمریکاست، اقتضای علیه انقلاب ایران صورت می‌گیرد که، یک جبهه آن آموزش و پیچ‌عشایر فراری است. رئیس‌ایل آجرلو، بنام قوای شاهین، که در آغاز انقلاب به فرانسه گریخته بود، از دو ماه پیش به ترکیه آمده و عشایر فراری را متشکل میکند و این علاوه بر نتیجه شوم سیاست خارجی وابسته ترکیه در هماهنگی با امپریالیسم آمریکاست، که خاگ رژیم‌های مترقی همسایه بدل کرده است.

اقدامات خصمانه رژیم بعثی عراق، از درگیربازی پی در پی مرزی و تجاوز به مناطق سرحدی خاک مین ما گذشته و به شرکت فعال و همه‌جانبه در توطئه‌های امپریالیستی علیه انقلاب ایران انجامیده است. دولت بعث عراق نه تنها گروه‌های ضدانقلابی را زیر نظر قاسملو، پاپایزبان، اویسی، گومله و... مسلح و تجهیز می‌سازد، بلکه با پول و اسلحه از آنان نوکران وفاداری در خدمت سیاست تجاوزگرا نه خویش ساخته است، که در خیانت‌های ایران و خدمتگزاران به امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، روی دست هم بلند می‌شوند این سرسپردگی غرت‌انگیز بوضوح در نامه قاسملو به بعث‌های عراق مشاهده میشود، که تماسی شرایط رژیم بعثی عراق و از جمله فرستادن دو نماینده از سوی آنان را با حل و جان می‌پذیرد، فقط بشرط آنکه تنها او را مسلح کنند و تنها

او را بعنوان کارگزار خود در کردستان ایران بشناسند همین‌پول و اسلحه و مشاوران اعزامی حکام بعث عراق هستند که کردستان را بزدل و خون‌کشانه و مانع از حل مسألت آمیز مسئله شده‌اند، تا از کردستان بمشابه پایگاه مسلح ضد انقلاب و تخته‌پوش برای هجوم به قلب انقلاب استفاده کنند. هیئتی بعث‌های عراق با امیر-یالیسم آمریکا، در مقابل آشوره، ارگان حزب بعث عراق، با ژاندار، که از یختیار مزدور حمایت و هذیان-های او را درباره انقلاب ایران و رهبران آن تشخوار میکند. حمایت رژیم بعثی عراق از نیرو-های ضدانقلابی، ساواک‌ها، افسران فراری ارتش، وجه دیگری از تلاش رژیم بعثی عراق در هماهنگی با امیر-

### به هوش باشیم...

برگرداندن پیش از موعد ایل از بیلاق به قتل‌عام بظنطور برپا کردن جنگ تحمیلی، اختصاص مبالغ هنگفت جهت قطع‌عشایر مستمند و استخدام مزدور از بین آنها...

تحریکات امپریالیسم در منطقه پلوجستان در میان خلق پلوج نیز گسترده است. عمان و پاکستان سریلی برای ایجاد تحریک و تقویت در میان پلوج‌هاست. در خاک عمان جاسوسان آمریکائی چند اردوگاه آموزشی تشکیل داده‌اند، که تجزیه-طلبان پلوج را آموزش میدهند. بر میان این اردوگاه‌ها، آمریکائی و انگلیسی هستند. پاکستان از یکسو حلقه رابط سیا با تجزیه‌طلبان پلوج است و از سوی دیگر اردوگاه‌های فراریان افغانی را، که در پشاور قرار دارند مستقیماً از منابع آمریکا و سیا دستور می‌گیرند، با اردوگاه‌های فراریان افغانی در خراسان، که در شهرهای بیرجند و تربت‌جام و تربت حیدریه و مشهد قرار دارند، مرتبط ساخته و باین وسیله ره‌نمود-های دنیا را به آنها می‌رساند.

بر اساس ماهیت خرابکارانه همین باصلاحیت‌های اسلامی افغانی است که حجت‌الاسلام صفائی، رئیس دادگاه انقلاب مشهد و فرمانده سپاه پاسداران آن منطقه، چندی پیش گفت که سران این جمعیت‌ها با عمال جاسوسی امپریالیسم آمریکا در تماس هستند و دستور انحلال آنها را در سراسر منطقه خراسان صادر کرد.

امپریالیسم آمریکا، علاوه بر کمربند توطئه و تهاجمی که از سرحدات ترکیه تا منطقه بلوچستان به دور انقلاب ایران کشیده است، در خارج از مرزهای ایران نیز، بدست متعبدانش در منطقه و خارج از آن، اقدامات گسترده‌ای را برای سرکوب انقلاب تدارک دیده است. چنانکه قبلاً هم یادآور شدیم، طبق اطلاع خبرگزاری تلوی از واشنگتن ایالات متحده و انگلیسی درباره طرح تقسیم ایران سرگرم‌ها کرده‌اند، و ناوگان ششم آمریکا به‌سوی «دیندار دوستانه» وارد خاک مصر در بندر اسکندریه شده‌اند. روزنامه «فریاد» از ورود ۱۸۰۰ تفنگساز آمریکائی به منطقه خلیج فارس خبر داد. ژنرال بل کلی، فرمانده کل نیروهای ۲۰۰ هزار نفری واکنش

ادارات در شهرها، تماس محکم و ترمیخت آنها با سپاه پاسداران و جهاد سازندگی، همکاری آنها در تعیین تکلیف زمین‌ها و واگذاری اراضی به صاحبان واقعی، مهمترین عامل انجام این کار انقلابی‌مهم، یعنی اصلاحات ارضی است.

آنهاهی که کشت میکنند و زحمت می‌کنند و خون دل‌میخورند، تا زمینی بارور شود و ما محصول زرعی و دامی داشته باشیم، باید صاحب زمینها باشند، نه مفت‌خوران فاسد و دزد. انقلاب ما با مشارکت توده مردم و منجمه میلیونها دهقان زحمتکش ایرانی پیروز شد و با مشارکت فعال و آگاهانه آنها بسرانجام خواهد رسید. خوددهقان نیروهای انقلابی، همه عناصر ضدانقلابی، یا سازشکار، یا ناآگاه را، که میخواهند نظام فاسد و چپاولگر و زورگویی فئودالی اربابی ادامه پیدا کند و در راه تشکیل عمل قاطع هیئت‌های ۷ نفری سنگ میاندازند، کنار خواهند زد.

عمل مثبت و موفقیت آمیز اکثر هیئت‌های ۷ نفری بجهت دهقانان مستعبد سراسر کشور میاورد، تا با تکیه بر قانون شورای انقلاب و با همکاری سپاه پاسداران و جبهه سازندگی روحانیون متعبدومبارز، به بهترین وجه کار این هیئت‌ها را در این مرحله حیاتی سازمان دهند.

را میگیرند و مصرا نه از عمل درست قاطع هیئت ۷ نفری حمایت می‌کنند. ولی گاه که زور و ترویج و زر مالکان، متأسفانه، موثر واقع میشود، بناچار هیئت ۷ نفری فلج میشود و حتی کار باستغفای نماینده جبهه و سیا نمایندگان دهقانان میرسد.

روستا‌های ایران در مرحله بسیار مهمی از تکامل خود قرار دارند، که نه فقط برای آینده خود دهقانان، بلکه در سرنوشت انقلاب مستقیماً موثر است، زیرا که بساط بزرگ مالکی یکی از پایگاههای عمده ضدانقلاب و یکی از کانونهای اصلی پرورش نوکران امپریالیسم و زورگویی و فساد است و برچیدن آن لازمه انقلاب بزرگ‌مست.

هر نیروی انقلابی صدیقی، در این روزهای حساس، باید قاطعانه جانب دهقانان زحمتکش را بگیرد و کمک کند تا یکبار برای همیشه ریشه فاسد بزرگ مالکی کشته شود. کار-شکنی و مانع تراشی در راه هیئت ۷ نفری، یا اعمال نفوذ، که اشخاص ناباب و طرفدار استثمار و استکبار در آن وارد شوند، یک عمل ضدانقلابی است.

ما اصل مطلب آنست که دهقانان زحمتکش در اکثر دهات با تمام قوا و فعالانه در انجام اصلاحات ارضی شرکت میکنند. فریاد آنها در اجتماعات، مراجعه آنها به

مقابله با او هستیم و نگرانی نداریم.» (رئیس مجلس شورای اسلامی، حجت‌الاسلام رفسنجانی - کیان، ۲۵ مرداد ۵۹)

«امروز ما در مقابل آمریکا با همه ابعاد و با همه نیرو ایستاده‌ایم و بدینا ثابت کردیم که در مقابل ابرقدرت عظیم آمریکا هم می‌توان ایستاد... دشمن درصدد ضربه زدن است... ما انتظار حمله دشمن را داریم»

(امام جمعه تهران، حجت‌الاسلام خامنه‌ای، ۲۱ مرداد ۵۹) «احتمال توطئه (دیگر) خیلی زیاد است، یعنی همین حالا احتمال میدهم که مدتی دیگر توطئه باشد»

(مرقس رضائی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب - ۱۷ مرداد ۵۹) وقوف و علم مسئولان به وجود توطئه خود ابری است خطیر. ولی خطیرتر از آن آمادگی برای مقابله با توطئه است. بازداشت و تیرباران ده‌های از عناصر شرکت‌کننده در توطئه همدان و کشف ۷۰۰ حلقه خطرات از شبکه کودتا در ارتش، کشف دو شبکه جدید در مازنی و آذربایجان غربی، که سران آن صریحاً به ارتباط با پختیار و اویسی و پاپایزبان اتراف کرده‌اند، از جمله اقدامات شایان تحسینی است که مقامات مسئول در مقابله با توطئه-گران بعمل آورده‌اند.

اما این هنوز کافی نیست. باید با شتاب و یکپارگی فراروان، بخش-های کشف نشده شاخه نظامی و تمامی شاخه سیاسی توطئه را کشف و سرکوب کرد، تا امکان شرکت در توطئه‌های دیگر را نیاورد. پاسداری از دستاوردهای انقلاب ایجاب میکند که به موازات این اقدامات، پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی امپریالیسم و ضد انقلاب در کشور ما ریشه کن شود، تا امید امپریالیسم به این آن گسره وابسته، برای بازسازی مواضع خود در کشور ما، قطع گردد. قزون بر اینها، وظیفه عاجل مسئولان است که از بیداری و آمادگی گم‌مانند و ایشار و فداکاری بردیغ مردم بیدارگر بهره‌برداری کنند و با تشکل آنان در جبهه‌های متحد، مانع از خنثی شدن و هرز رفتن نیروها شوند.

پروش باشیم که امپریالیسم آمریکا در راه است، میاد که غفلت ما ندامت یبار آورده

سرعب، اخیراً گفت که نیروهای هواپرد آمریکائی در عرض ۴۸ ساعت میتوانند در خلیج فارس وارد عمل شوند. واحدهای نظامی آمریکا که قرار است به منطقه خلیج فارس اعزام شوند، در ایالت فلوادا، در شرایطی شبیه دمست و بیابان ایران سرگرم تمرینات نظامی هستند و قرار است تمرینات مشابهی در مصر، یعنی منطقه‌ای که به ایران نزدیکتر است، آغاز شود. رادیو مسکو خبر میدهد که باین منظور «هواپیماهای فانتوم آمریکا از راه اقیانوس اطلس به مصر وارد میشوند». فانتوم‌ها به مصر وارد شده‌اند، تعداد آنها ۱۷ تاست که ظاهراً بیهانه شرکت در مانور مشترک مصر و آمریکاست. یکی از همین فانتوم‌ها حکام‌بازگشت از یک مأموریت در نزدیکی قاهره سقوط کرد. (روزنامه جمهوری اسلامی - ۲۶ مرداد ۵۹)

انور سادات، که خاگ کشورش را برای انجام توطئه علیه انقلاب ایران، دودستی پیشکش امپریالیسم آمریکا کرده، در توطئه جدید مشارکت فعال دارد. سازمان امنیت مصر و نیرو-های مسلح مصر، گروه ضربتی و خرابکار به تعداد ۵۰۰ نفر آماده کرده‌اند، که با ساواک‌های فراری همکاری دارند. مسالقات اشرف و اویسی در مصر در ارتباط مستقیم با همین توطئه است.

بازوی بسیج‌گر و فعال امیر-یالیسم آمریکا و ضدانقلاب خارج، ضدانقلاب داخلی است، که شاخه سیاسی آن دست‌خورده باقی‌مانده و بخشی از شاخه نظامی، که در توطئه ۱۸ تیر شرکت داشت، هنوز کشف نشده است. روشن است که باید تا دیر نشده، این هر دو شجره خبیثه را از بین برکند و امکان حیات را از آن گرفت.

جای خوشوقتی است که مسئولین مملکت هم به خطر وقوف دارند و هم به ابعاد گسترده آن، و این نکته را هر یک بزبانی بیان داشته‌اند. «مطابق گزارش‌هایی که ما دریافت کرده‌ایم و اطلاعات نسبتاً قوی و روشنی که بدست آورده‌ایم، دشمنان این ملت تاریخی بر آن شده‌اند که از راه توطئه و تحریک بالاخره ما را به زانو درآورند.» (رئیس-جمهور چینی صدر، ۲۳ مرداد ۵۹)

«ما مطمئن هستیم که شیطان بزرگ به این آسانی دست از سر ملت ما برنمیدارد و ما هم آماده

### فعالیت ضد انقلاب در تاقسی‌ها

طبق اخبار موثقی که بدست رسیده، ضدانقلاب برای پخش شایعه و اخبار جعلی درباره انقلاب ایران ایجاد محیط بدبینی، عدم اعتماد تفرقه در بین مردم، اخیر دست به شگرد تازه‌ای زده است عوامل ضدانقلاب برای انجام این مقصود، طبق برنامه و بطور منظم سوار تاقسی‌ها می‌شوند و در لباس افرادی که از انقلاب «ناامید» «دلسر» شده‌اند، به تبلیغ مطالب رادیوهای ضدانقلاب و انواع شایعه و اخبار تحریک‌آمیز می‌پردازند تاکنون بطور مکرر دیده شده است که این افراد، که به لباسهای مختلف نیز درمی‌آیند (از مسلمان گرفته: چپ‌منها دوآتیه آمریکائی) دست به چنین تبلیغات مسموم و زهر آلود زده‌اند.

هدف ضدانقلاب بطور مشخص نابود کردن مردم نسبت به انقلاب ایجاد جو عدم اعتماد نسبت به رهبری و مسئولین انقلابی ایران و فراهم آوردن جو تبلیغاتی لازم جهت وارد آوردن ضربه‌هایی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است. این اعمال ازجمله فعالیت‌های شبکه سیاسی ضدانقلاب است.

بنابه گفته «مرقس رضائی، فرمانده سپاه پاسداران، افراد شبکه سیاسی ضدانقلاب وظیفه دارند دست به جعل و تحریف بزنند، شایعه‌سازی کنند، به رهبران انقلاب نسبت دروغ بدهند، نوارهای بختیارخانی را به کشورهای کرده و تکثیر کنند، به نهادهای انقلابی، بجهت با همه سپاه تهمت بزنند و علیه آنها تبلیغ کنند و...»

این شبکه‌سیاسی، به گفته مقامات مسئول سپاه پاسداران و سایر مقامات انتظامی، منجمه حجت‌الاسلام رفسنجانی، حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب ارتش، به مقدار زیادی دست نخورده باقی مانده است. شبکه سیاسی ضدانقلاب گسترده، منظم و متشکل است و با تمام قوای خود سعی میکند تا زمینه‌های لازم برای نابودی انقلاب ایران را فراهم کند.

ما ضمن هشدار دوباره در جهت مقابله قاطع و سریع با این شبکه وسیع ضدانقلاب از مردم انقلابی و معتقد ایران میخواهیم، تا با حفظ هوشیاری انقلابی خویش، این عوامل ضدانقلاب را به هر لباسی که درآیند، شناسایی کنند و با معرفی آنان به مقامات مسئول انقلابی کشور، در جهت کشف و نابودی شبکه سیاسی ضدانقلاب گام بردارند.

در ضمن از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نیز میخواهیم که با پیگیری درشتاساسی و دستگیری این افراد، شبکه وسیع سیاسی ضدانقلاب را درهم کوبند.

هندوستان خواهان شرکت نمایندندگان راستین کامپوچی در کنفرانس سران غیرمتصددهاست در اجلاس «دیرخانه هماهنگی سازمان کشورهای غیرمتصدده، هندوستان درخواست کرد که امکان شرکت کامپوچیا در هفتمین کنفرانس سران کشورهای غیرمتصدده فراهم آید.

وزیر خارجه هندوستان اظهارداشت که همه‌گونه کوشش را برای شناسایی دولت هنگ‌سامرین از سوی کشور-های غیر متصدده بعمل خواهد آورد.

صادر از تهران و در طول ۲۲ سال است که در تهران زندگی می‌کنم و ملت خویش ایرانی، شیعه اثنی-عشری، مسلمان متصدده به خداوند وابسته به خدا و اعتقاد به معاد روز قیامت و قبول داشتن پیامبر اکرم اسلام حضرت محمد (ص) و قبول داشتن و ایمان داشتن به حضرت

تکذیب آقای علیرضا زارعی، که عکس وی در شماره ۲۹۰ نامه مردم به چاپ رسیده‌است، طریقه‌ای به نامه مردم اعلام کرده‌است که وی افغانی نیست او در نامه خود از جمله نوشته‌است: «... اینچنان علیرضا زارعی... که

روستا، ۲- مالک این منطقه محدخان ضرغامی نیست و محدخان فقط مالک بخشی از یکی از روستاهای ابرج است، ۳- یاراگراف سوم خیر کاملاجدا از دوباراگراف قبلی و راجع به اختلاف مالک بزرگ‌بامه‌نفر خردم-مالک است، و بهیچوجه به محدخان ضرغامی مربوط نمیشود.

توضیح خبری که تحت‌عنوان «شکایت مالک از خردم مالکان» در شماره ۳۰۲ نامه مردم، درج شده‌است، دقیق نیست و بهمین دلیل ضمن یوزش، توضیحات و تصحیحات ذیل را ضرور میدانیم: ۱- «ابرج» روستا نیست، بلکه منطقه‌ای است شامل ۲۵ الی ۳۰

# باد و بنیاد انقلابی نیکار اگوئه آشناشویم

دراوج فعالیت انقلابی "جبهه ساندینست رادی ملی" و پیش از سرنگونی رژیم سوموزا، در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۵۸، در مهاجرت دولتی به نام "دولت موقت بازسازی ملی نیکار اگوئه" تشکیل شد. این بنیاد در روز ۲۸ تیر ۱۳۵۸، پس از سقوط رژیم خاندان سرسبرده سوموزا، بعنوان "شورای دولت بازسازی ملی"، زمام حکومت را در نیکار اگوئه بدست گرفت.

"شورای دولت" نخست از افراد زیر تشکیل می‌شد، که بعنوان نمایندگان نیروهای مختلفی که در مبارزه در راه سرنگونی سوموزا، شرکت داشتند، در "شورا" عضویت یافتند:

دانیل اورنگا ساودرا، مویز حسن مورالس، ریولتا باریوس چامورو، آلفونسو روبلو گالکاس، سرخیو رامیرز مرگادو.

یکی از نخستین گام‌های "شورای دولت" انتشار بیامی "به خلق قهرمان نیکار اگوئه، همه خلق‌های برادر جهان و دولت‌های دموکراتیک بود، که در آن استقرار آزادی، عدالت و دموکراسی در نیکار اگوئه مرده داده شده بود. "شورای دولت" بالاترین ارگان اجرایی نیکار اگوئه است. نخستین تصمیم این "شورا" فرمان شماره ۱ مبنی بر مصادره اموال هنگفت سوموزا بود.

در بهار امسال، رهبر "جنبش دموکراتیک نیکار اگوئه" - حزب محافظه‌کار وابسته به بورژوازی بزرگ نیکار اگوئه، آلفونسو روبلو گالکاس، در اعتراض به سیاست "جبهه" ساندینست آزادی ملی از "شورای دولت" استعفا کرد. چندی بعد نیز ویولتا باریوس چامورو به علت بیماری از "شورا" کناره گرفت. بجای دونفر نامبرده، ژنرال گوردووا ریواس به عضویت "شورای دولت" انتخاب شده‌اند.

قانون اساسی نیکار اگوئه، علاوه بر "شورای دولت"، تشکیل بنیادی به نام "شورای حکومت" نیز تشکیل می‌کند، که از همه نیروهای شریک در مبارزه ضد سوموزا و روند بازسازی ملی پس از پیروزی ترکیب می‌یابد.

محافل بورژوازی بزرگ نیکار اگوئه کوشیدند، تا در آستانه بنیانگذاری "شورای حکومت"، ز قدرت "جبهه" ساندینست آزادی نیکار اگوئه؛ هم بهانه آن در "شورای حکومت" بگهند و نیز در انحصار خود در بیاورند. اما از ۴۵ کرسی موجود در "شورای حکومت"، که میان ۲۹ سازمان تقسیم شده است، اینک ۲۴ کرسی در اختیار "جبهه ساندینست آزادی ملی" و سازمان‌های نوپای متحد آنست.

از جمله وظایف "شورای حکومت" عبارتست از بررسی، تصویب و تغییر لویایچه که از سوی "شورای دولت" ارائه می‌شود، تهیه پیشنهاد لایحه‌های قانونی و تدوین قانون انتخابات و قانون اساسی آینده نیکار اگوئه.

"شورای حکومت" در آغاز هر دوره اجلاس به اکثریت ساده آراء، یک رئیس، سه نایب رئیس و سه منشی برمی‌گزیند. با انتخاب بایاردو آرسه عضو رهبری ملی "جبهه" ساندینست آزادی ملی، سمت نخستین رئیس "شورای حکومت" از فدرات برجسته "جبهه" در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری سوموزا تجلیل بعمل آمده است.

تاکنون کمیسیونهای مختلفی برای دفاع، مورخارجه، آموزش، فرهنگ، امور مالی، در "شورای حکومت" تشکیل شده است.

## دانشتنتی‌ها درباره نیکار اگوئه

نام رسمی: جمهوری نیکار اگوئه (ریپوبلیکا د نیکار اگوئه)

تاریخ استقلال: ۲۴ شهریور ۱۲۰۰  
مساحت: ۱۳۰ هزار کیلومتر مربع (بموجب آمار سازمان ملل)

جمعیت: ۲/۴ میلیون نفر

— ۵۴/۲ درصد جمعیت در شهرها و ۴۵/۷ درصد در روستاها زندگی می‌کند.

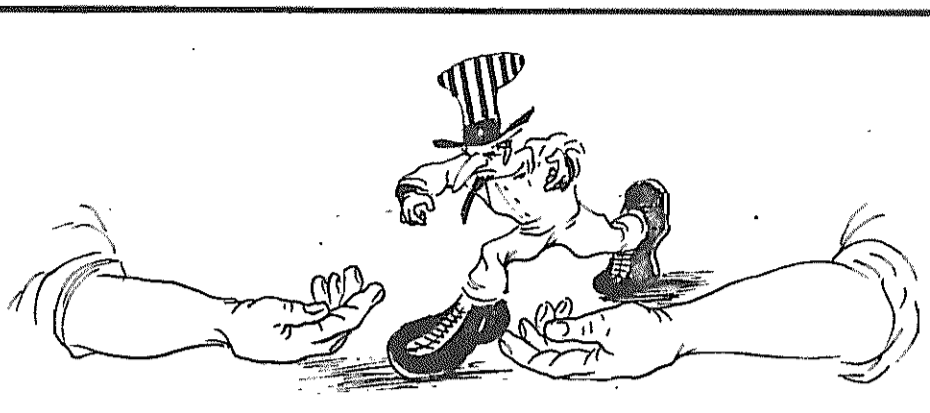
— ۴۷/۵ درصد جمعیت جوانتر از ۱۵ سال هستند.

پایتخت: ماناگوئه (۵۵۸ هزار نفر)

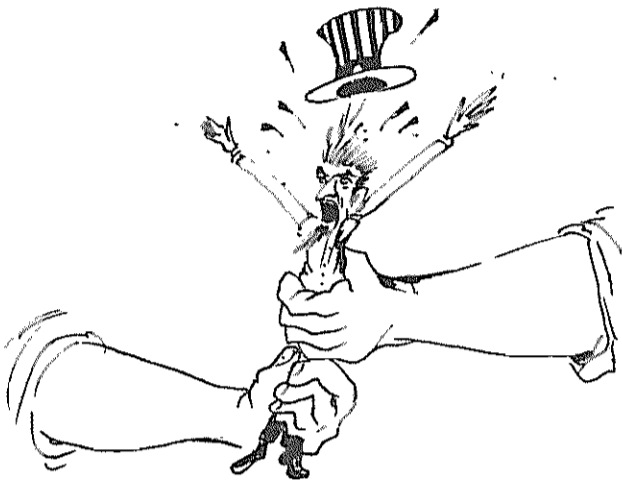
بزرگترین شهرها: لئون (۹۵ هزار نفر)، خینوتخا (۷۸ هزار نفر)، ماناخالیا (۷۳ هزار نفر)، گرانادا (۶۳ هزار نفر)، ماسایا (۶۱ هزار نفر).

زبان رسمی: اسپانیایی

زبان کوردووا (در حدود ده سنت ایالات متحده)



عدم اتحادیوهای شرقی به نفع امپریالیسم تمام می‌شود.



اتحادیوهای شرقی، ضمانت پیروزی امپریالیسم امریکانست!

# لیبی دوست انقلاب ایران

پس از آنکه امپراطوریهای مستعمراتی در دوران پس از جنگ دوم جهانی، یکی پس از دیگری، در زیر ضربه جنبشهای آزادیبخش فرو پاشیدند (روندی که تنها به پشتیبانی مؤثر دنیای نوین سوسیالیستی به سرانجام پیروزمند خود رسید) این سؤال در برابر دولت‌های نوپدید آفریقا و آسیا با تمام حدت خود مطرح گشت که: این کشورهای نواستقلال چه راه تکاملی را باید در پیش گیرند؟ اکثریت قریب باتفاق آنان، که طعم مظالم سرمایه‌داری را چشیده بودند، سرمایه‌داری را مانند یک نظام اجتماعی - اقتصادی نفی می‌کردند، در عین حال، جز گروه کوچکی از آنان، راه مشخص دیگری را نیز برای جلوگیری از رشد سرمایه‌داری ارائه نمی‌کردند.

در چارچوب این نفی و این بی‌برنامگی بود که، در داخل هر یک از این کشورها ستمهای فکری، سیاسی و اقتصادی رنگارنگی پدید آمد، که هر یک مدعی اصالت و خلقت و صحت بودند.

بیشتر این ستمها سرمایه‌داری را نفی می‌کردند و در عین حال سوسیالیسم به معنای علمی آن را نیز نمی‌پذیرفتند. ولیبی یکی از این کشورها بود که، بتدریج توانست خود را از دایره نفوذ اقتصادی و سیاسی دنیای امپریالیستی بیرون بکشد و در اثر همکاری با دنیای سوسیالیسم، موقعیتهای چشمگیری بدست بیاورد.

تلاش لیبی برای اتخاذ خط مشی مستقل در سیاست اقتصادی و بخصوص سیاست خارجی، با مقاومت سرسختانه دولت‌های امپریالیستی روبرو شد. لیبی یکی از پیگیرترین کشورهای عربی در مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم است. رهبران لیبی میدانند که بدون پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی نمیتوان علیه صهیونیسم و امپریالیسم با موفقیت مبارزه کرد و از دایره شعار بایرون گذاشت.

مصاحبه سعدمجیر، سفير لیبی در ایران، با خبرنگاری پارس، سیاست ضد امپریالیستی لیبی را به روشنی نشان می‌دهد.

سفیر لیبی پیشنهاد می‌کند که برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم، جبهه مشترکی از ایران، لیبی، فلسطین، الجزایر و سوریه تشکیل گردد.

به نظر ما، تشکیل این جبهه، بعنوان نخستین گام در رویارویی با خطر امپریالیسم و صهیونیسم، نه تنها درست است، بلکه همچنین در حفظ دستاوردهای انقلاب ایران و همه کشورهای

ضد امپریالیستی منطقه میتواند پایه عمل قرار گیرد. سفیر لیبی مسئله روابط بین کشورهای "دنیای سوم" و جهان سوسیالیسم را بخوبی درک می‌کند و می‌گوید:

"اگرما اسلحه‌هایی را که از شوروی گرفتیم و از آن صحبت زیاد می‌شود، نداشتیم، الان سادات رئیس جمهور مصر و لیبی با هم بود."

این واقعیت را می‌توان تعمیم داد: اگر پشتیبانی و کمک اتحاد شوروی به افغانستان نبود، امروز ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان و افغانستان هردو با هم بود. اگر سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین به پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی متکی نبودند، اگر اسرائیل و اربابانش از قدرت دنیای سوسیالیسم نمی‌ترسیدند، امروز مکه و مدینه هم در اشغال اسرائیل بود و حجاج بایستی از آقای بگین اجازه زیارت مکه را می‌گرفتند (هر چند ملک خالد هم چندان فرقی با بگین ندارد، زیرا میلیاردها دلار درآمدی را که از نفت و از حجاج می‌گیرد، به بانکهای آمریکایی می‌سپارد و آنها هم بخشی از سود آنرا برای خرید سلاح به اسرائیل می‌دهند).

تمام دنیای سرمایه‌داری، پس از انقلاب لیبی، سرهنگ قذافی و سایر رهبران این کشور را می‌کوبید و قذافی را "دیوانه و مخبط" می‌نامید. امپریالیست‌ها تمام اتهاماتی را که اکنون بر امام خمینی وارد می‌کنند، به او نیز وارد می‌کردند.

هدف از تمام این تبلیغات بدنام کردن انقلاب لیبی بود، که می‌خواست زیر پرچم "اسلام" در لیبی جامعه سوسیالیستی بسازد.

شاه ملعون نیز بدستور اربابانش بالیبی قطع رابطه کرد.

پس از آنکه مصر به دلیل خیانت سادات، در دامان امپریالیسم آمریکا افتاد، ارتش مصر در مرز لیبی هر روز فتنه‌های برنی‌انگیزخت (درست مانند آنچه امروز عراق در مرزهای ایران می‌کند) ولی خلق لیبی به کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی تمام این فتنه‌انگیزیها را بی‌اثر ساخت و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی خود راه‌پیش برد. لیبی، این کشور بیابانی، که پیش از انقلاب یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان بود، امروز در اثر اتخاذ خط مشی صحیح در سیاست داخلی و خارجی - جلوگیری از رشد سرمایه‌داری و همکاری با دنیای سوسیالیسم - با گامهای بلند در مسیر رشد و ترقی پیش می‌رود.

متأسفانه ما در ایران دست‌های مرموزی را در کار می‌بینیم، که هر چند مدت یکبار، در روابط ایران و لیبی اختلال می‌کنند و می‌خواهند مناسبات این دو کشور را تیره کنند. بهانه هر چه باشد، اصل مسئله روشن است. امپریالیست‌ها نمی‌خواهند بین نیروها و کشورهایی که سیاست پیگیر ضد امپریالیستی دارند، دوستی و هماهنگی بوجود بیاید، زیرا آن روز که تمام کشورهای این منطقه بتوانند جبهه واحدی به پشتیبانی دولت‌های سوسیالیستی بر ضد امپریالیسم تشکیل دهند، باید فاتحه

## در جهان سوسیالیسم

### کاهش پایدار سوانح کار در جمهوری دمکراتیک آلمان

امنیت اجتماعی در جمهوری دموکراتیک آلمان همچنین در شرایط حفاظت کار نمایان می‌شود. شماره نازل سوانح کار در بخش‌های گوناگون اقتصاد ملی آلمان دموکراتیک در سطح بین‌المللی بی‌نظیر است. این عدد در گستره فعالیت وزارت زمین‌شناسی ۱۰/۶ به نسبت هر هزار شاغل (۱۳۵۶)، در مادن ۱۳/۳ در هزار (۱۳۵۷) و در گستره وزارت ذغال سنگ و انرژی، ۱۶ در هزار (۱۳۵۶) است.

جدول زیر شماره سوانح کار را در مجموعه اقتصاد ملی جمهوری دموکراتیک در ۲۵ سال گذشته نشان می‌دهد.

سال	شماره سوانح کار به نسبت هر هزار شاغل
۱۳۳۴	۴۹/۵
۱۳۳۹	۴۸/۶
۱۳۴۹	۴۰/۸
۱۳۵۴	۳۳/۰
۱۳۵۷	۳۱/۳

## در جهان سرمایه‌داری

### افزایش روزافزون بودجه تسلیماتی در آمریکا

چهار سال بیش، جیمی کارتر، به هنگام احراز ریاست جمهوری، وعده داد که هزینه‌های "دفاعی" و نرخ تورم را پائین خواهد آورد. نگاهی به لایحه بودجه سال آینده، که در تاریخ ۹ مهر ماه ۱۳۵۹ شروع خواهد شد، نشان می‌دهد که، این وعده‌ای بیش نخواهد ماند. همچنین از کاهش مالیات‌ها، یکی دیگر از وعده‌های جیمی کارتر، در این لایحه خبری نیست.

در نگاه اول، ممکنست که بودجه سال آینده حتی مثبت بنظر آید. درآمد ها از ۵۲۳/۶ به ۶۰۰ میلیارد دلار و هزینه‌ها از ۵۶۲/۶ به ۶۱۵/۸ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. بنا بر این کسر بودجه ۱۶ میلیارد دلاری، چنان زیاد بنظر نمی‌رسد اما مسله بر سر اینست که، در این ارقام، ۱۷ میلیارد دلار کسر بودجه "فوق العاده‌ای" که دولت آمریکا کوشش خود را به پنهان نگه داشتن آن نهاده است، ملحوظ نیست. بودجه ایالات متحده آمریکا برای سال آینده، بهیچ روی حلال مشکلات عظیم اقتصادی آن کشور نخواهد بود.

نرخ تورم آن کشور در سال گذشته به ۱۳/۲ در صد رسید و بنظر نمی‌رسد که این رقم در سال کنونی کاهش یابد. نرخ بیکاری، که اکنون رسماً ۶ درصد اعلام می‌شود، بعقیده کارشناسان، تا آخر سال به ۷/۵ در صد خواهد رسید. فرآورده اجتماعی، بقیمت‌های ۱۳۵۱، یک در صد کاهش خواهد یافت.

بودجه اجتماعی سال آینده، ۲۲۰ میلیارد دلار در نظر گرفته شده، که افزایش آن تقریباً برابر با نرخ تورم است. بودجه تسلیحاتی ۱۴۶/۲ میلیارد دلار، یعنی ۳/۳ در صد بیشتر از رقم مشابه کنونی است. هزینه‌های پژوهشی، با وجود عقب افتادن آمریکا از ژاپن و جمهوری فدرال آلمان از نظر توسعه تکنولوژی، در سال آینده کاهش خواهد یافت.

از هر دلاری که دولت آمریکا خرج می‌کند، ۲۴ سنت آن بمصارف تسلیحاتی می‌رسد. در این میان کنگره خواسته است که بودجه نظامی به ۱۶۰ میلیارد دلار ازدیاد پیدا کند. علاوه بر این،

تا سال ۱۳۶۴، ۱۰۰ میلیارد دلار بجیب نظامیان ریخته خواهد شد. بدین ترتیب میانگین رشد هزینه‌های تسلیحاتی تا ۱۳۶۴، ۴ در صد، یعنی یک در صد بیشتر از رقمی خواهد بود که "ناتو" سه سال پیش تعیین کرد.

امپریالیسم را خواند، چه در این صورت این کشورها میتوانند حلقوم امپریالیسم را حتی فقط با سلاح نفت بدرند. بهمین دلیل نیز امپریالیسم و یارانش می‌کوشند که چنین جبهه‌های تشکیل نشود بهترین راه نیل به این هدف شوم نیز دیدن در شیور ضد شوروی و ضد کمونیستی از موضع "اسلام" امریکایی است.

اگر امپریالیسم و یارانش موفق شوند روابط کشورهای "دنیای سوم" با جهان سوسیالیسم را برهم زنند، قسمت اعظم کار را انجام داده‌اند، زیرا در این صورت، مصر ناصر به سادگی به مصر سادات تبدیل می‌شود.

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقایع انقلابی از زیر این بار نجات داد.

زاغه نشینهای خزانه بخارائی

### زندگی، که در کوره های متروک آجر پزی، میگذارد

● زحمتکشانی که ستون فقرات انقلاب هستند، از ابتدائی ترین زندگی انسانی بی بهره اند.  
● زاغه نشینهای خیابان خزانه بخارائی با فقر و محرومیت دست و پنجه نرم میکنند.

هوای خفقان آور داخل آلونک غیر قابل تنفس است. در گوشه های پسر بچه های خردسال، بالباس های زولیده و سرو صورتی چرکین، از گرما و مزاحمت مگسها و پشه ها به گریه افتاده است. در گوشه های دیگر، مادر در حالی که بچه شیر خوارش را در آغوش گرفته است، با نگاهی پریشان آمیز ما را برانداز می کند. در نگاهش، همانند نگاه دیگر اهالی محل، یک سؤال را می یابیم: "مگر نه اینکه انقلاب از آن کوخ نشینهاست؟"

در قسمت شرقی انتهای خیابان خزانه بخارائی، کوره های متروک آجر پزی وزاغه ها شکسته نام خانسه هزاران کارگر را سر خود دارند، چون لکه های چرکین بر آئینه انقلاب نقش بسته اند. این محلات فقر، که زحمتکشانی ما را در خود بلعیده اند، نمایانده رنجی است که به نشان بیداد رژیم گذشته، به یادگار مانده است. این محله فقر، در بیابان خنکی همانند با تلاق، عرض اندام کرده است. فاضل آب شهر، با بوی متعفنش که در وسط بیابان قرار دارد، همراه با مگسها و پشه ها، که از بوی فاضلاب جان میگیرند، اهالی محل را کلافه کرده است.

این محل از ۶۴ خانواده تشکیل شده است. این اهالی، که اکثرا از بیرجند و روستاهای اطراف آن به اینجا نقل مکان کرده اند، در کوره های متروک و تاریکی زندگی میکنند، کسه زمانی مکان آجر پزی بود.

وارد محل که میشویم غباری از فقر و محرومیت را مشاهده می کنیم. خانه های گلی، با دیواهی که از کاهگل و طوسی درست شده است، درهای پارچه ای و سقفهای نایلونی، فریادی است از فقر و نداری. برای اینکه بیشتر با درد و رنج اهالی این محل آشنا شویم، محمد علی جعفری کارگر شهر داری، ما را به آلونکش می برد. در داخل آلونک با هوای دم کرده ای روی می شویم. در گوشه های آلونک بچه های خوابیده است. تمام صورت و دستها و پاهای کودک پسر از مگس است. تاریکی داخل آلونک مانع دید کامل میشود. در همین هنگام محمد رو به ما می کند و می گوید:

"روزها از دست مگس و شبها هم از دست پشه ها نمی توانیم راحت باشیم. تا بحال چندین نفر از اهالی این محل به بیماری وبا دچار شده اند. هر تابستان ما باید شاهد چند نمونه از آن باشیم. هیچگونه وسایل رفاهی نداریم. حتی یک حمام هم این حوالی نیست. بچه های محل برای مدرسه رفتن باید ۴ کیلومتری راه بروند و این مسیر خصوصا در زمستانها بیشتر به با تلاق شبیه است تا به جاده. برای خریدن جزئی ترین ما بحتاج روزانه هم باید اینراه را برویم.

از آلونک که بیرون می آئیم، بچه های محل دور و برمان حلقه میزنند در نگاههای معوشان گرسنگی را مشاهده می کنیم. یکی از اهالی محل در مورد وضع آب و برق میگوید:

"قبل از انقلاب آب و برق نداشتیم. این اواخر توانستیم دو شبر آب لوله کشی برای محل درست کنیم، که تمام اهالی از این دوشیر استفاده می کنند. برق را هم از فاصله ۵۰ متری به کمک اهالی کشیدیم." در این هنگام پسر بچه های لنگان، لنگان بطرفمان می آید. اسمش علی معذور است. دانش آموز کلاس اول راهنمایی است. با وجود بیای معیوش از شرایط سخت مدرسه رفتن کودکان دیگر مستثنی نیست. میگوید:

"دو سال است که با خانواده ام از بیرجند به اینجا آمده ایم. پدرم کارگر بود، ولی در اثر تصادف سلامتش را از دست داد و به همین دلیل از کار بیگار شد هیچ در آمدی نداریم و تنها با کمک اهالی محل زندگی می کنیم." در جواب اینکه: کجا بازی می -

# کارگران ایران و دفاع از انقلاب:

چندی پیش برای نخستین بار بدعوت انجمن های اسلامی کارخانجات مازندران، در محوطه کارخانه شماره ۳ نساجی قائم شهر برای کارگران سخنرانی شد.

سخنران این مراسم آقای آل اسحق بود. ایشان طی سخنان خود بیش از هر چیز به مساله اتحاد نیروها تکیه کرد و از جمله گفت:

" ما کسانی که افکار سوسیالیستی دارند، و با دوستان سوسیالیست، باید دست اتحاد بهم بدهیم و در مقابل دشمن مشترک باشیم. ما که با هم به زندان رفتیم، با هم شکنجه شدیم، با هم به مقابله توپ و تانک رفتیم، اکنون چرا نتوانیم با هم برادرانه زندگی کنیم؟"

در باره مسائلی از این دست، نیروهای راستین انقلابی دارای نظر کاملا روشن و مشخصی هستند. اکنون که انقلاب بزرگ ما با پشت سر گذاشتن آزمون های سهمگین و مقابله با توطئه های کودتایی عوامل امبرالیسم به استقبال دشواری های تازه تری می رود، باید از پشت جبهه های هر چه فعال تر، آگاه تر و متشکل تر برخوردار باشد.

کارگران ایران بایدارترین و محکم ترین نیروی خلق ما هستند که هم در صف مقدم جبهه مبارزه ضد امبرالیستی وهم در برابر دشواری های داخلی و به عبارت دیگر در زمینه تقویت و تحکیم ست جبهه این مبارزه دشوار حضور فعال دارند.

کارگران ما باید چون تنی واحد یک صف و یک صدا و بقول امام خمینی با "وحدت کلمه" در مقابل دفاع از انقلاب قرار گیرند. چنانکه تاکنون نیز چنین بوده اند. سخن بر سر آینده است. آینده ای که از جمله برای طبقه کارگر ایران سراسر از نوید پیروزی و بهروزی است. برای هرس کردن باغ آینده و در راه شکوفایی غنچه های سعادت و استقلال، زمستان های سختی در پیش داریم. و ناچار باید دست در دست هم گذاریم و بار پیروزی را در فرودای میهن بر زمین نهم. بدینی است در این راه معمم و مگلا، سیعه و سنی، کرد و آذربایجانی و فارس و... . نیروهای چپ راستین و مبارزین انقلابی مسلمان همه در یک سنگر و در برابر یک دشمن ایستاده اند. آری دشمن مشترک است. جبهه یکی است و نیرو، نبرد واحدی است. اگر کسی در برابر این منطق زلزل و عینی آگاهانه یا نا آگاهانه سرلجاج در پیش گیرد، بی گمان خدمتی به پیروزی انقلاب، به کسب استقلال و به نوسازی و سالم سازی اجتماع

کنند، می گوید:

"توی همین کاخها، کنار اون لجنها، با دست فاضلاب شهر رانسان میدهد با حالتی افسرده میگوید:

" تا بحال داخل شهر تهران را ندیده ام. دلم میخواد بیکبار به سینما بروم و در پارکها گردش کنم. این تنها خواست علی نیست، بلکه آرزوی تمام جوانان و کودکان این محلات است. از داخل یکی از زاغه ها، که سقف کوتاهی دارد و برای گذشتن از در آن باید خم شد، جوانی بی پروا می آید. خودش را محمد برقی معرفی میکند. ۲۴ سال دارد. ۴ ماه است که ازدواج کرده است. قبلا در بیرجند در یک شرکت خارجی کار می کرده، ولی به علت تعطیلی شرکت مجبور شده است به تهران بیاید. ۶ سال است که در این کوره زندگی می کند. این او و همراهش که نفر دیگر از ساکنان این کوره در یک کارخانه بلور سازی کار می کرده، ولی به علت تعطیلی کارخانه به همراه تمامی کارگران کارخانه بیگار شده است. می گوید:

روزها تمام تهران را برای پیدا کردن کار زیر پا میگذارم. از بیگار می ننداری پس می کشم. ۴۰ سال پیش شده ام، بیگاری، گران و نگاههای همسر مرا از داخل خالی میکند."

بهمراه کارگر دیگری، که محمد نام دارد، داخل آلونکشان میرویم. دیوارهای خانه را با قوطی های طوسی ساخته است. می گوید:

"سقف اتاق دوبار روی بچه هایم خراب شده، ولی خوشبختانه آب سیب زها دی ندیده است. سقف اتاق را با چوب و هر چیز دیگری که در دسترس داشتیم، پوشانده ایم." در ادامه صحبت، با انسدوده می گوید:

"بگوئید که چه فکر ما هم باشند. آخر ما هم انسانیم، فرزندان ما هم فرزندان این سرزمین اند." از آلونک بیرون می آئیم. در پس دیوارهای کاغذی بدشکل و در میان درگاها، چشمان همسران و فرزندان این زحمتکشان محروم در انتظار بیگار بر بار انقلاب است. نگاهها یثان همگی پرسشگر یک سؤال است:

"مگر نه اینکه انقلاب از آن کوخ نشینهاست؟"

## چیمه واحد مبارزه علیه امبرالیسم را با تامین اتحاد همه نیروها و با تقویت وحدت طبقه کارگر تحکیم بخشیم

چگونه می توان پاس داشت و آن را در سمت دفاع بیامان از انقلاب و تعمیق و گسترش آن هدایت کرد؟

تجربه انقلاب ما، هم چنانکه تجربه دیگر انقلابها بخوبی نشان داده است که تقویت مبانی شکل صنفی کارگران، یعنی قوام سندیها و انجمنهای کارگری آن اهم مطمئنی است که دم هیچ موریانه و زهره یج سم کاری، بر آن کارگر نیست. کارگر متشکل همه چیز کارگر متفرق هیچ چیز.

در این میان وظیفه همه نیروهای انقلابی ایجاد و تقویت این انجمنهای صنفی و همکاری فعال با آنها و جلوگیری از ضرباتی است که تفرقه افکنان، کوتاه نظران، چپ نمایان، انحصار طلبان و راستگرایان درصد فروگفتن آنها بر بیک سازمان های کارگری هستند. وظیفه مقامات مسئول و بویژه دولت آینده انقلاب، نیز در این میان خطیر و سنگین است دولت باید در این زمینه، اصول مصرحه قانون اساسی - و از جمله اصل آزادی و قانونیت فعالیت سندیها و مجامع کارگری - را با قدرت و بی وقفه نگهبانی و اجرا کند. دولت باید با کمک مجلس، کار تدارک، تصحیح و تنقیح و تصویب قانون کار انقلابی را که بسیار جدی و فوری است به انجام رساند و بی درنگ در مقام اجرای آن برآید. درنگ - ولو اندک - در این کار به هیچ رو جایز نیست، چرا که در راستای منافع انقلاب و مصالح طبقه کارگر قرار نمی گیرد. اما پیش از همه، بسیج آگاهانه طبقه کارگر در راه مقابله موثر با امبرالیسم مستلزم یک رشته اقداماتی است که نمونه سخنرانی مذکور گوشه ای از آن

این سخنرانی ها - که باید منظم و فراگیر و نیز در راستای اتحاد همه نیروها بر علیه امبرالیسم و ضد انقلاب داخلی باشد - از اهمیت کمی برخوردار نیستند. نیروهای مسئول انقلابی و بویژه مجامع صنفی کارگری باید بطور گسترده زمینه های هر چه بیشتری را برای این کار تدارک ببینند. افشای دقایق توطئه های نافرجام آمریکا ( در طیس) و ضد انقلابیون داخلی ( توطئه کودتای ۱۸ تیر) و بررسی زمینه های آن و نیز از این رهگذر شناختن دوستان و دشمنان انقلاب، آشنائی با عمق خطر ضد انقلاب و نحوه رویارویی موثر با آن می تواند نه تنها از طریق سخنرانیها بلکه از طریق دایر کردن نمایشگاهها، اجرای نمایشها و نمایش فیلمهای آموزنده دنبال شود.

نقش کارگران ما در دفاع از آینده انقلاب بسیار عظیم و در عین حال همراه با دشواری های نفس گیری است. در راه اجرای این برنامه وحدت صنفی و سیاسی طبقه کارگر یک شرط دلخواه بلکه یک ضرورت تام و تمام است.

نیروهای ارتجاعی می کوشند تا با دستبرد به برخی مواد قانون اساسی، از مضمون دموکراتیک آن بکاهدند و اختیارات رئیس جمهوری را توسعه دهند بموجب ارزیابی حزب کمونیست ترکیه، که در شرایط پس دشوار به مبارزه پنهانی مشغول است، ترکیه به سوی رژیم شبه نظامی کشانده میشود.

بطوریکه احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای در نشریات مخفی خود خاطرنشان ساخته اند، حزب راستگرای "جنبش ملی" امکان یافته است کسه آزادانه موج وسیعی از فعالیت های تروریستی را در سراسر ترکیه برانگیزد. سازمان شبه نظامی "جنبش ملی"، که به نام "گرگهای خاکستری" معروف و در داخل کشور و خارج از آن بارها به کشتار میهن پرستان ترکیه دست زده است، از سوی محافل افراطی راستگرا، رهبری و هزینه مالی آن تامین میشود. "گرگهای خاکستری" توانسته اند در دستگاه دولتی نیز رخنه کنند و سمت های حساسی را نیز در اختیار خود بگیرند. بنا بر این، نباید تعجب کرد که مقامات دولتی، حتی در بهترین حالت، یعنی داشتن حسن نیت، از مقابله موثر با تروریست های فاشیست ناتوان بوده اند.

مهاجست که رسانه های گروهی جهان و ایران از اقدامات مداوم "تروریستی" در ترکیه خبر میدهند. روزی نمی گذرد که دهها تن از مردم ترکیه در جریان این عملیات و دیگر تشنجات و درگیریهای سیاسی جان خود را از دست ندهند و یا مصدوم نشوند. موج "تروریسم" تنها یکی از مظاهر بحران همه جانبه و عمیقی است، که کشور ترکیه مدتهاست با آن روبروست.

در گستره اقتصادی، بیگاری و تورم در ترکیه بیداد می کند. در حدود ۲۰ درصد زحمتکشان ترکیه، یعنی نزدیک به سه میلیون ترک بیگارند. در فاصله بهمن ۱۳۵۸ و بهمن ۱۳۵۹، قیمت ها در آن کشور ۲۴۳ درصد افزایش یافت. طبق گزارشی، تنها در منطقه آنکارا نرخ تورم در سال گذشته حداقل صد درصد بوده است.

بابهای فلاکت اقتصادی، گرایش به راست هر چه بیشتر در صحنه سیاسی ترکیه تقویت می یابد. در نه ماه گذشته بیش از دوازده نفر قربانی جنایات سیاسی شده اند. باندهای فاشیستی نیروها و عناصر دموکراتیک و مترقی را آماج تهاجمات وحشیانه و خونین خویش قرار داده اند. در ۲۰ استان، از مجموع ۶۷ استان ترکیه، حکومت نظامی اعلام شده است.

## حزب کمونیست ترکیه: ترکیه بسوی رژیم شبه نظامی کشانده میشود

مهاجست که رسانه های گروهی جهان و ایران از اقدامات مداوم "تروریستی" در ترکیه خبر میدهند. روزی نمی گذرد که دهها تن از مردم ترکیه در جریان این عملیات و دیگر تشنجات و درگیریهای سیاسی جان خود را از دست ندهند و یا مصدوم نشوند. موج "تروریسم" تنها یکی از مظاهر بحران همه جانبه و عمیقی است، که کشور ترکیه مدتهاست با آن روبروست.

در گستره اقتصادی، بیگاری و تورم در ترکیه بیداد می کند. در حدود ۲۰ درصد زحمتکشان ترکیه، یعنی نزدیک به سه میلیون ترک بیگارند. در فاصله بهمن ۱۳۵۸ و بهمن ۱۳۵۹، قیمت ها در آن کشور ۲۴۳ درصد افزایش یافت. طبق گزارشی، تنها در منطقه آنکارا نرخ تورم در سال گذشته حداقل صد درصد بوده است.

بابهای فلاکت اقتصادی، گرایش به راست هر چه بیشتر در صحنه سیاسی ترکیه تقویت می یابد. در نه ماه گذشته بیش از دوازده نفر قربانی جنایات سیاسی شده اند. باندهای فاشیستی نیروها و عناصر دموکراتیک و مترقی را آماج تهاجمات وحشیانه و خونین خویش قرار داده اند. در ۲۰ استان، از مجموع ۶۷ استان ترکیه، حکومت نظامی اعلام شده است.

نیروهای ارتجاعی می کوشند تا با دستبرد به برخی مواد قانون اساسی، از مضمون دموکراتیک آن بکاهدند و اختیارات رئیس جمهوری را توسعه دهند بموجب ارزیابی حزب کمونیست ترکیه، که در شرایط پس دشوار به مبارزه پنهانی مشغول است، ترکیه به سوی رژیم شبه نظامی کشانده میشود.

تأمین کار برای کارگران بیگار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

شکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

# دهقانان! اتحادیه‌های دهقانی خود را تشکیل دهید!

## مسائل دهقانی

و راه حل‌ها را ارائه نماید.

از طرف دیگر اتحادیه دهقانان باید مسائل و مشکلات و خواسته‌های روستای خود را جمع‌آوری کند و به روزنامه‌ها و مجلات برساند، تانمنشر شود و از این راه تجربیات خود و راه‌های حل-طلبی و چگونگی کمک نهادهای انقلابی و حل شدن یا نشدن مشکلات خود را با اطلاع سایرین برساند.

پس توجه کنید: امور مربوط به نشریات دو جنبه دارد: یکی بندگرفتن از تجربه سایرین و آشناسدن با مسائل و بیان خواسته‌ها، ودومی پنددادن به سایرین و راهنمایی کردن از روی تجربیات بدست آمده و چگونگی دادخواهی و طلب کردن حق.

۳- امور مربوط به مطالبات - اتحادیه‌های دهقانی محل اجتماع و تشکل کلیه دهقانانی است که میل دارند با هم متحد شوند و می‌دانند که باید از هدفهای انقلاب جانبداری کنند، طرفدار تحکیم جمهوری اسلامی ایران و احیای کشاورزی و بهبود وضع روستاها هستند. این دهقانان حاضر میشوند که داوطلبانه در اتحادیه متشکل شوند و در این زمینه مبارزه و فعالیت کنند. پس اتحادیه باید از منافع و مطالبات همه گروه‌های اجتماعی روستایی از دهقانان تهیدست گرفته تا دهقانان خرده و با میان‌حال، و همچنین دهقانان مرفه، که طرفدار انقلاب هستند و با نظام اربابی و حکومت امیربای-لیستها و طاغوت مخالفند، دفاع کند.

بنابراین مطالبات میتواند هم در زمینه تولید و بهبود وضع اقتصادی باشد، هم درباره سرکوب ضدانقلاب و جلوگیری از توطئه‌های عمال امپریالیسم هم درباره زمین و آب و کوتاه کردن دست بزرگ مالکان و واسطه‌ها و سلف خرها باشد، هم برای بهسازی روستاها، هم درباره امور آموزشی و بهداشت و مسکن باشد، هم درباره مایحتاج و مواد مورد نیاز دهقانان. در همه این موارد، اتحادیه دهقانان باید خواسته‌های مشخص دهقانان ده یا منطقه مربوطه را تنظیم کند و دهقانان را برای اجرای آنها بسیج و متشکل نماید.

باید توجه داشت که اتحادیه حزب و گروه سیاسی نیست. پس در آن همه افراد، صرفنظر از عقیده و مسلک سیاسی و مذهبی خود می‌توانند شرکت کنند. اتحادیه، شورای ده هم نیست. اولاً بدان جهت که نه همه افراد، بلکه فقط دهقانان جهت که اتحادیه یک نهاد اجرایی و دولتی نیست. منتی اتحادیه، دهقانان باید در هر جا با شورای ده همکاری کند و از آن بطلبد که در حدود امکانات و اختیاراتی که دارد، خواسته‌ها را برآورده سازد و مشکلات را حل کند.

اتحادیه خود قوه اجراییه و اختیار اداری ندارد و قدرت آن تنها در اتحادیه‌دهقانان و حق طلبی آنهاست. با تکیه به این قدرت و با استفاده از کمک نهادهای انقلابی است که اتحادیه میتواند از ادارات و مسئولان دولتی بخواهد که به مشکلات رسیدگی کنند و منافع دهقانان را به‌هنگام اخذ تصمیمات در نظر بگیرند.

اتحادیه برای رسیدن به هدفهای خود باید و میتواند به پاسداران انقلابی و اعضای فدائکار جهاد سازندگی و حکام شرع متعهد و دیگر روحانیون مبارز و مومن به انقلاب تکیه کند و همکاری آنها را برای بیان و تحقق خواسته‌ها و مطالبات جلب کند.

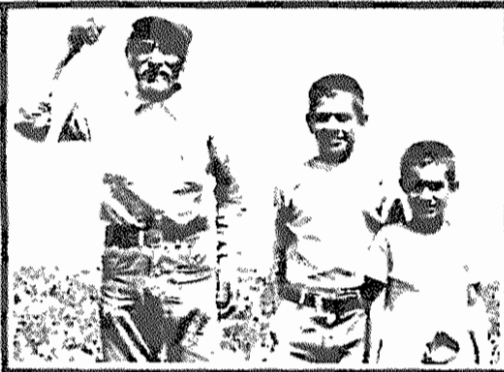
اتحادیه با مراجعه به ادارات مسئول دولتی، مانند وزارت کشاورزی و بانک کشاورزی و وزارت راه و وزارت نیرو و سازمان برنامه و غیره، باید خواسته‌ها را مطرح و جدا دنبال کند و از دهقانان بخواهد که دنبال این خواسته‌ها را بگیرند و همیشه یاور اتحادیه خودشان باشند.

مطالبات دهقانان هر استان و هر شهرستان متفاوت است و هر اتحادیه‌ای باید مطالبات خاص ناحیه خود را دنبال کند. با اینهمه مهم‌ترین مطالباتی که در همه جای اغلب جاها وجود دارد و همه باید به آنها توجه کنند، عبارتند از:

۱- واگذاری زمین به فوریت و با شرکت خود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین انجام گیرد و غده چرکین و فاسد بزرگ مالکی برای همیشه از روستا برچیده شود تا صفا و سکونتی به ده راه یابد،

۲- با تشکیل تعاونی‌های تولید بر روی مالکیت‌های مشاع، که از مصادره زمینهای بزرگ مالکان و سایر اراضی ناشی می‌شود، بایه تولید فراوان و محصول کافی، که درد کشور و خود

## قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگ مالکی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود



بچه‌ها به پدرشان در کار کشاورزی کمک می‌کنند. (روستای قیدارغلو)

## قیدارغلو در انتظار بهروزی

روستای قیدارغلو، در پنج کیلومتری جنوب بخش زرگان (جاده شیراز-مرودشت) واقع است. این روستا دارای دو قسمت سفلا و علیا است، که در کوه‌ها به هم قرار گرفته است. ۱۰۰۰ (هزار) خانوار روستا، که از زعمایر سکونت داده شده هستند، از حداقل امکانات

دهقانان را دوا کند، گذاشته شود.

۳- با تشکیل تعاونی‌های خرید و فروش و مصرف، دست سلف‌خران از ده کوتاه شود. موسسات دولتی و تعاونی‌های شهری محصولات زراعی و دامی را مستقیماً از تعاونی‌های فروش دهقانی بخرند. دهقانان نیز کالاهای مورد نیاز خود را سجه تولیدی و چه مصرفی-تعاونی‌های خرید دهقانی خریداری کنند. دست واسطه‌ها و رباخواران باید کوتاه گردد.

۴- قیمت محصولات کشاورزی بخصوص گندم و سایر غلات و اقلام اصلی محصول زراعی را عادلانه تعیین و تثبیت کنند و خرید آنرا تضمین نمایند. دست سلف‌خران باید کوتاه شود.

۵- مسئله آبیاری، نهرکشی، لارویی قنات، حفرچاه، سدبندی، سهمیه بندی و غیره بسیار مهم و حیاتی است و توجه لازم به آن باید مبذول شود.

۶- مسئله حیاتی دیگر جاده و راههای روستایی است، که باید به فوریت به آن توجه شود و طبق برنامه معین این مسئله، که دارای اهمیت اقتصادی و اجتماعی است، حل شود.

۷- خواسته شود که در هر گروه از روستاهای مجاور هم، مراکز خدمات کشاورزی، طبق طرح موجود دولتی و باتجهیز کامل فنی، تاسیس شود و مشکلات تولیدی را در محل حل نماید.

۸- به وام و اعتبار روستایی، که باید اکثراً به طور جنسی و تولیدی داده شود و در تولید موثر باشد، توجه گردد، قسمت اعظم وام باید به تعاونی‌ها و گروه دهقانان در "مشاع" و به شورای ده داده شود.

۹- توجه به مسائل دامداری و بهداشت دام و دامپروری و اعطای کمک‌های لازم برای تقویت دام داری‌های کوچک و متوسط.

۱۰- کوشش برای حل امور مربوط به بهداشت، از جمله ساختن درمانگاه دائمی یا سایر در روستاها، تربیت بهداشتی و پیشگیری بیماری‌ها.

۱۱- اقدام به احداث حمام و مدرسه و غسل-خانه و مسجد و کتابخانه و سایر موسسات مورد نیاز دهقانان.

دهقانان عزیز! فراموش نکنید که بدون مبارزه فعال و بی‌گیر و تشکل در اتحادیه‌ها و تقاضا و مراجعات دائمی و مکرر به نهادهای انقلابی و جلب همکاری و کمک آنها، حفظ دستاوردهای انقلابی و بدست آوردن موفقیت‌های تازه‌تر و داشتن موسسات مربوطه دولتی به اجرای خواسته‌های حقه و رفع مشکلات ممکن نیست.

اتحادیه دهقانان را درده خود تشکیل دهید و در راه پیروزی‌های تازه انقلاب ما و تحکیم بنیاد های جمهوری اسلامی ایران و دستیابی به خواسته های حقه خود مبارزه کنید.

رفاه محرومند زمینهای موجود در این روستا بدون سند رسمی در مالکیت دهقانان خرده مالک است. ۲۰ خانوار از خوش‌نشینان روستا در کارخانه‌های اطراف جاده سیراز-مرودشت کار می‌کنند. و این درحالی است که در نزدیکی روستا زمینهای وسیعی وجود دارد، که در دست مالکان بزرگ است. دهقانان این روستا با مشکلات زیادی روبرو هستند، بطوریکه در بعضی مواقع زندگی آنان به نابودی تهدید می‌شود به‌تراست از زبان خود دهقانان زحمتکش بشتویم:

"چندسال قبل با آمدن سیل، اراضی زراعتی از زمین رفت. بیشتر چاه‌های ما خراب شده و چون وضع مالی ما خوب نیست، نمی‌توانیم آنها را درست کنیم. به همین جهت مجبوریم زمینها را دیمسی کشت کنیم، که البته درآمد و محصول خوبی نداریم"

درباره وضع معمول امسال می‌گویند: "زمستان امسال با زان زیسادی بارید، ولی در بهار باران کم بارید، که متأسفانه محصول خوبی به عمل نیا مسده است"

برای رفع مشکلات مالی چندین باره با بانک تعاون کشاورزی مراجعه کرده‌اند، ولی:

"... به ما وام نمی‌دهند. می‌گویند سند رسمی با پیدا شده با شید". مدتی پس از آنکه محصول کندم و جوسو آماده برداشت بود، دهقانان موفق به اجاره کمباین نشدند. یکی از روستائیان در این باره می‌گوید:

"امسال اجاره آن خیلی گران شده هر هکتار ۵۰۰ تومان می‌گیرند. و ادا نمی‌دهند"

"اجاره تراکتور هم گرانتر از سال قبل است و همین طور قیمت بذرو کود. املاهمه چیز گران شده، ولی قیمت گندم نسبت به سال پیش چندان گران نشده"

سرما به داران و واسطه‌ها خود سراسر نه گران به ما شین آلات کشاورزی را گران می‌کنند، و بدینسان قسمتی از دسترنج کشاورزان زحمتکش را غارت می‌کنند. بخش مهمی از درآمد این روستائیان از دامپروری تامین می‌شود. نوکران امپریالیسم برای نابودی دامپروری و وابسته کردن کشور ما به انحصارات امپریالیستی چراگاههای اطراف را محدود و منابع طبیعی اعلام و از ورود دام به این مناطق جلوگیری می‌کنند ولی با پیروزی انقلاب این سد ممنوعی برداشته شده و دامپروری در منطقه رونق یافته است.

در این روستا برق وجود ندارد، در حالی که در ۳ کیلومتری آن، زرگان، برق هست و با هزینه کم می‌توان به این روستا برق کشید.

این روستا فاقد درمانگاه است و بیماران به درمانگاه زرگان مراجعه می‌کنند. بیشتر مواقع به علت کمبود امکانات پزشکی در زرگان روستائیان مجبورند به شیراز بپروند.

مهمترین نگرانی روستائیان (بجز مسئله زمین و آب) کمبود گرانگالی کالاهای ضروری (روغن، برنج، سیگار و...) است.

برای جلوگیری از کوچ روستائیان به شهر و برآوردن خواسته‌های آنان:

- زمینهای وسیعی در نزدیکی روستا است، که باید با اجرای اصلاحات ارضی بنیادی از مالکان بزرگ خلع ید کرد و کلیه زمینها را به دهقانان بی‌زمین و کم زمین واگذار کرد.

- به روستائیان از طریق بانک تعاون کشاورزی کمک مالی کرد.

- با ایجاد شرکتها و تعاونی‌ها روستاییان را از فشار سرما و آبرقیعتها جلوگیری کرد و با ایجاد تعاونی تولید بر روی مالکیت‌های مشاع، از ریشه‌کن شدن تولید روستایی کرد.

- ایجاد امکانات رفاهی در روستا به کمک نهادهای انقلابی.

با اجرای موارد فوق، از یک سو مالکان بزرگ، که سر با را انقلاب هستند، دستشان کوتاه خواهد شد و سرما به داران و واسطه‌ها که وحشیانه زحمتکش را استنمام می‌کنند دیگر نخواهند توانست زور بگویند. از سوی دیگر روستائیان زندگی از دوش روستائیان برداشته خواهد شد و آنها به ماندن درده تسویق و امیدوار خواهند شد و جوی میها جرت روستائی گرفته خواهد شد.

انقلاب خدا میریالیستی و خلقی میهن ما با بدومی‌تواند این اقدامات را انجام دهد، تا روستائیان در شهرها سرگردان نشوند، و هر روز با فقر و نکبت دست بسنه گریبان نباشند.

از این طریق، هم از جمعیت غیرفعال شهری کاسته میشود و هم به روستائیان کسب و کاری رسیدن و مرز خودکفایی مقدور و ضرور کمک خواهد کرد.

دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین! با تشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد سازنده و زندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود

بقیه از صفحه ۹

## دولت جدید و حل مسائل اقتصادی - اجتماعی

جامعه ایران در طول دو قرن گذشته، یعنی از مومتی که ایران با تسلط استعمار امپریالیسم رشد سرمایه داری وابسته مواجه گردیده، تشکیل می دهد. خواستهای اقتصادی - اجتماعی چنین انقلابی طبیعتاً کاملاً مشخص و روشن است و آن اینکه، باید به دوران ننگین تسلط استعمار و امپریالیسم پسر ایران خاتمه داده شود. بیاط اقتصاد اجتماعی که موجودات سلطه خارجی و استثمارگران وابسته به آن را در ایران فراهم آورد، از میان برد و جامعه ای مستقل، شکوفا، مترقی و مرفه بجای آن ساخته و برپا گردد. پیروزی قلمی و نهایی انقلاب در گرو برآوردن این خواستها، یعنی عمده ترین اهداف انقلاب است. خواستهای اقتصادی - اجتماعی انقلاب فئدال امپریالیستی و خلقی مردم ایران مسائل تجزیدی، عام و یا یا محتوای مبهم و نامشخص نیست، که مثلاً بتوان با ارائه برنامه های سوری، چنانکه مرسوم کابینه های زمان طاغوت در این کشور بوده، آنها را حل شده تلقی کرد. انقلاب عظیم مردم ایران خواستهای اقتصادی - اجتماعی، با محتوای مشخص و معلوم ضد امپریالیستی، خلقی، توده ای و طبقاتی دارد. فقط در صورتی که برنامه دولت با چنین برخوردی به وظایف اقتصادی - اجتماعی انقلاب طرح و تنظیم شود، میتوان به نیل به هدفهای انقلاب و تحکیم واستواری آن امیدواری حاصل کرد. این نکته ای است که در همین ابتدا ذکر آن در مورد تنظیم برنامه کابینه جدید ضرورت پیدا می کند، تا از هدر رفتن وقت گرانبایی که استفاده از هر لحظه آن برای موفقیتهای در کار اهمیت دارد، جلوگیری بعمل آید.

نامه مردم از همان روز پس از پیروزی انقلاب، خواستهای اساسی آنرا بر سرشمرده است. در اسناد متعدد کمیته مرکزی حزب توده ایران در این زمینه چرکه در مورد عمده ترین مسائل و چه حتی حل جزء بجزء مسائل اقتصادی - اجتماعی دوران پس از انقلاب بطور مشخص همه یادآوریهای ضرورت انجام گرفته است. جادارد که تنظیم کنندگان برنامه دولت جدید، بویژه شخصی آقای رجائی پیشنهادهای حزب توده ایران را، که از مومترین سازمانهای سیاسی وفادار به هدفها و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است، مورد توجه دقیق قرار دهند. بیاجاست که نامداران جمهوری اسلامی، در همه سطوح، به این نکته توجه داشته باشند که، گفته ها و نوشته های حزب ما تنها به صداقت انقلابی و ایمان خلل ناپذیر به تحقق آرمانهای مردم ایران متکی نیست، این گفته ها و نوشته ها هم چنین حاصل دانش اجتماعی و تجربه اندوزی قریب چهل سال عمر حزب توده ایران و مبارزات فیرمانده آن علیه امپریالیسم و ارتجاع و نزدیک به صد سال مبارزه مترقی ترین نیروهای جامعه ایران در نیل به استقلال، آزادی، پیشرفت و رفاه برای مردم ایران است.

با آنکه مسائل مردم واحد اقتصادی - اجتماعی انقلاب ایران، چنانکه یادآور شدیم، در اسناد حزب ما و نامه مردم، بدفیات و بکرات بازگوشده، با اینحال ضرورت میدانیم، اکنون که دولت جدید در شرف تشکیل است، برخی نکات اساسی و عمده را در ارتباط با حل این مسائل یادآور شویم. تائیه خود به تسهیل آغاز کار دولت کمک کرده باشیم.

انقلاب مردم ایران در وهله اول، انقلابی ضد امپریالیستی است این بدان معنی است، که هدف عمده و درجه اول انقلاب، پایان دادن به سلطه امپریالیسم و استعمار بر کل کشور است. سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایران است. در زمینه های سیاسی، نظامی و فرهنگی، با محور رژیم دست نشانده شاه سابق، لغو قراردادهای نظامی، طرفداریان و مستشاران امریکائی، بستن لانه جاسوسی و اقدامات نظیر، گامهای موثری برداشته شده است. اما باید دانست این گامها، با تمام اهمیتی که

دارند، نتایج محسوس را بیارنخواهند آورد، اگر تصمیمات قاطع در زمینه رهائی ایران از تسلط اقتصادی - امپریالیسم و استعمار از جامعه ایران برداشته نشود. در زمینه رهائی از تسلط اقتصادی - امپریالیسم، اکتفا کردن به ملی - گردن ها، طرف سرمایه خارجی و راندن عوامل امپریالیستی و نواستعمار، ولو این اقدامات قاطعانه هم صورت گیرد، کافی نیست. در اینجا مسئله عمده پایان دادن به وابستگی اقتصادی در تمام مظاهر آن است.

وابستگی اقتصادی به امپریالیسم عمده ترین مجرای خطر در خنثی ساختن پیروزیهای است که در همه زمینه های رهائی سیاسی، نظامی و فرهنگی در دوران پس از انقلاب کسب کرده ایم. قطع وابستگی اقتصادی و تأمین استقلال اقتصادی در برابر امپریالیسم و نواستعمار امر اساسی و عمده تثبیت پیروزیهای بدست آمده و تأمین بایر جایی و ثبات قلمی انقلاب مردم ایران است. در ارتباط با اهمیت مسئله اخیر پدرستی این موضوع مطرح میشود که از چه راهی می توان به رهائی از وابستگی اقتصادی و تأمین استقلال اقتصادی نائل شد؟ پاسخ سؤال روشن است: تنها از راه پایه گذاری رشد همه جانبه صنعتی - کشاورزی، رشد صنایع سنگین و مادر، و مقدم بر هر چیز، برداشتن به تولید وسائل تولید در داخل کشور میتوان به تأمین استقلال اقتصادی نائل شد. بدین سخن، تپیه و تدوین برنامه جامع صنعتی کردن اقتصاد ایران از مسائلی است که باید در صدر برنامه دولت انقلاب قرار گیرد.

صنعتی کردن ایران در مرحله کنونی رشد اقتصادی - اجتماعی، بعنوان امر اساسی رشد و ترقی، استقلال و پیشرفت، نه فقط ممکن بلکه ضرور و حیاتی است. مخالفت دول امپریالیستی و رژیمهای سلطنتی دست نشانده آن با صنعتی کردن ایران طی یک قرن و نیم اخیر، از عوامل زیربنایی در جازدن ایران در عقب - ماندگی بوده است.

تسلط امپریالیسم و استعمار تو بر ایران مانع از آن شده که اقتصاد ایران به آزادی راه تکامل راه به یابد و از مرحله تولید کالا های مصرفی به تولید وسائل تولید برقیه یابد. اقتصاد ایران، که بطور خود بخودی و در شرایط رژیم سرمایه داری وابسته، مراحل اولیه رشد صنعتی را بجزمت پشت سر گذاشت و تولید کالا های مصرفی را آغاز کرد، از چند دهه به این طرف، بویژه پس از دوران ملی شدن نفت، به عمده از ارتقاء به مرحله تولید وسائل تولید، که مفهوم واقعی صنعتی کردن و استقلال اقتصادی یک کشور را دربر می گیرد، باز داشته شده است.

استعمار، امپریالیسم و نواستعمار آگاهانه و بپایک سیاست دقیق حساب شده، مانع از خروج اقتصاد ایران از دایره بسته تولید کالا های مصرفی و ارتقاء به مرحله تولید وسائل تولید، یعنی برداشتن به صنعتی شدن واقعی شده اند. رژیم کودتائی و دست - نشانده شاه سابق نیز، با آنکه بیشترین امکانات مالی درآمد عظیم نفت را در اختیار داشت و گاموبیکاه به ایجاد صنایع سنگین مادر نظیر می کرد، به موجب ماهوریت خائنانه ای که داشت، هیچگاه مسئله صنعتی کردن واقعی ایران، ارتقاء اقتصاد ایران به مرحله تولد وسائل تولید در داخل کشور را مطرح نکرد. رژیم ننگین پهلوی پدر و پسر، به عکس، به دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر امکان داد که، با غارت درآمدهای نفت ما، با بجا بستن صنایع ایران در جهت وابستگی به مونتاژ و تولید کالا های لوکس و با واردات مقادیر عظیم کالا از خارج، اقتصاد و بازار ایران را در تصرف خود نگاهدارند و مانع از صنعتی شدن ایران شوند. انقلاب عظیم مردم ایران، برهبری قاطعانه ما، بخشیدن به تولید عمده و ماشینی در اقتصاد صنعتی ایران و تمرکز همه جانبه این اقتصاد در دست دولت، از شرایط اساسی موفقیت در امر صنعتی کردن کشور خواهد بود. برنامه صنعتی کردن تنها شامل اجرای طرحهای نیمه تمام مقرون بصرفه از نظر اقتصادی و برآمدناختن هر چه سریعتر آنها نیست، بلکه تدوین طرحهای عظیم و مهمی را نیز شامل می شود، که بر پایه نیل به خود کفائی ایران در زمینه تولید اساسی ترین وسائل تولید در داخل، باید بوسیله

مخالفت با صنعتی کردن کشور، یعنی تسلط سیاسی - نظامی امپریالیسم و حاکمیت رژیم دست نشانده آن راه از میان برداشته است. دولت انقلاب اکنون با اعتماد به پیروزی در این مسئله حیاتی و اصلی میتوان به اقدامات بپردازد و امر صنعتی کردن واقعی اقتصاد ایران را تحقق بخشد. همه مسئله در اینست که اهمیت این مسئله حیاتی از جانب زمامداران جمهوری اسلامی، بویژه دولت انقلاب درک شود و تمام امکانات مالی، فنی، انرژی، نیروی انسانی در داخل و کنکهای فنی و اقتصادی بدون تشریح و فرای از هر نوع تحمیل اثر خارج برای صنعتی کردن اقتصاد ایران، به معنی واقعی کلمه تجهیز گردد.

برداشتن به صنعتی کردن کشور به عنوان مسئله اساسی و عمده برنامه دولت انقلاب و ارائه برنامه جامع و مشخص در این مورد تنها از نظر پایان دادن به سلطه اقتصادی امپریالیسم و نواستعمار شایان اهمیت درجه اول نیست. لاین اقدام هم چنین از نظر حل مسائل مهم اقتصادی - اجتماعی در داخل، تغییر تناسب نیروهای اجتماعی بسود انقلاب، خلع سلاح عمده ترین و موثرترین نیروهای ضد انقلاب و ایجاد زیربنای اقتصادی مستحکم و پابرسرچا برای نظام جمهوری اسلامی ایران و اجده اهمیت شکوف و غیر قابل انکار است. دینمای سیاسی و حاکمیت جدید تنها زمانی می تواند به استقرار خود اطمینان حاصل کند که، زیربنای اقتصادی مناسب با خود را بوجود آورد. چنین زیربنایی برای جمهوری اسلامی ایران، بعنوان رژیم ضد امپریالیستی و خلقی، تنها و تنها می تواند صنعتی کردن جامع همه جانبه اقتصاد ایران و تدوین برنامه تولید وسائل تولید در داخل کشور باشد.

دربار نظام عیسوی جمهوری اسلامی ایران، حل مسائل متعدد و بسیار با اهمیتی قرار گرفته، که مثلاً حل مسئله بیکاری و تأمین اشتغال یکی از آنان است. بیکاری در سطح مملکت تنها شامل میلیونها کارگر ساده، که روز بروز بر تعداد آنان افزوده خواهد شد، نمی گردد. در شرایط دشواریهای پس از انقلاب، بیکاری شامل قشر عظیمی از کارگران متخصص، تکنیسین ها، مهندسی و کارهای فاضل اجرایی می گردد که بحق سرمایه مهم مملکت شمرده (می شوند). صد ها هزار جوان آماده برای کسب تخصص و مشتاق شرکت در برنامه های نو سازی کشور، هم اکنون سرگردان و پسریشان، نیروی با تو و فکشان بیدار می رود، تنها با برنامه صنعتی شدن کشور، که در برگیرنده هزاران طرح تولیدی و خدماتی صنعتی خواهد گردیده، میتوان مسئله بیکاری را از جمله تورم عظیم در کادر اداری بجا مانده از رژیم ننگین سابق را حل کرد.

مشخصه عمده اقتصاد ایران در مرحله کنونی رشد آن اینست که، این اقتصاد بدرجه قابل ملاحظه ای دوران رشد خرده کالائی و کارمندی ریزش سر گذاشته و به تولید عمده و ماشینی رو آورده است. صنعتی کردن ایران در مرحله کنونی باید با در نظر گرفتن این ویژگی و این امر تنظیم گردد که در مرحله نهایی تنها چکمک تولید عمده و ماشینی است که میتوان بر عیب ماندگی فائق آمد و به پیشرفت نائل شد.

اولویت بخشیدن به تولید عمده و ماشینی در اقتصاد صنعتی ایران و تمرکز همه جانبه این اقتصاد در دست دولت، از شرایط اساسی موفقیت در امر صنعتی کردن کشور خواهد بود. برنامه صنعتی کردن تنها شامل اجرای طرحهای نیمه تمام مقرون بصرفه از نظر اقتصادی و برآمدناختن هر چه سریعتر آنها نیست، بلکه تدوین طرحهای عظیم و مهمی را نیز شامل می شود، که بر پایه نیل به خود کفائی ایران در زمینه تولید اساسی ترین وسائل تولید در داخل، باید بوسیله

سازمانهای مسئول تپیه گردد. برنامه صنعتی کردن هم چنین شامل تغییر و تحول مطلوب و مورد نظر در ساختار طبقاتی جامعه در جهتی است که، جامعه ایران را از تقویت مواضع طبقاتی که قدرت تحقیر برنامه استقلال اقتصادی را دارند و طبیعتاً طبقه کارگر در این چین طبقاتی قرار دارد، برخوردار سازد.

بیداست که صنعتی کردن کشور در نظام جمهوری اسلامی، که اصل آن بر قسط و عدالت اجتماعی است، باید امری کاملاً متمایز از صنعتی کردن در رژیم و کشورهای پیشرفته سرمایه داری تلقی گردد. چنانکه می دانیم در رژیم سرمایه داری فائده صنعتی کردن به جیب قشر معدودی سرمایه داران استثمارگر سرازیر میشود، آنها را ثروتمندتر میسازد و در مقابل، توده های عظیم زحمتکش را بجزیر ریزش استثمار شدیدتر و محرومیت های مادی و معنوی طاقت فرسای میگذارد. نمونه این صنعتی شدن را رژیم دست نشانده طاغوت در سالهای آخر عمر خود نشان داد. چنانکه همه شاهد بودیم، ثروت های مملکت در دست عده ای چپاولگر وابسته به غارتگران خارجی متمرکز گردید و مردم زحمتکش بویژه از هستی ساقط شدند.

مغز و منظور صنعتی کردن در نظام جمهوری اسلامی ایران باید آن باشد که، همراه با اجرای برنامه های آن، نه فقط استقلال کامل اقتصادی تأمین شود، بلکه فوائد و نتایج صنعتی کردن نصیب توده های میلیونی زحمتکش گردد. بدین جهت آشکار است که از همین ابتدا پایه های رشد صنعتی کشور در جمهوری اسلامی باید بر اساس مالکیت عمومی بر صنایع عمده و تولید وسائل تولید گذاشته شود. در زمینه صنایع بزرگ، تولید کالا های مصرفی و بطور مطلق در زمینه صنایع تولید وسائل تولید استقرار مالکیت عمومی ضرور است و در این زمینه، هر آنچه در مالکیت سرمایه های امپریالیستی و بخش خصوصی وابسته به آن باقی مانده، باید به مالکیت عموم آید.

طبیعی است که برنامه صنعتی کردن شامل روابط کار و سرمایه نیز می گردد. در این باره نیز باید برنامه ای منطبق با ماهیت خلقی انقلاب ارائه داد. جمهوری اسلامی، که توده های زحمتکش و دستمزد نیروی بحر که اصلی انقلاب بوده اند، نمی تواند در این وضع، که کارگران و زحمتکش کندان هم چنان در معرض استثمار و غارت سرمایه قرار داشته باشند، باقی بماند. امروز وضع چنانست که قسمتی از دستمزد کارگران و زحمتکش در کارگاه و کارخانه و بخش عمده دیگر آن در عرصه توزیع و فروش کالا و مسکن به معنی واقعی کلمه به غارت می رود، باید به این وضع و روابطی که باعث میشود ثروت در یک قلب و فقر در قلب دیگر جمع شود، خاتمه داد.

موفقیتهای برنامه صنعتی کردن و تأمین استقلال اقتصادی در مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و انحصارات غارتگر و سرمایه های وابسته به آن در داخل، مستلزم آنست که حمایت از کار و کارگر در مرکز دید و اقدامات دولت انقلاب قرار گیرد. در غیر اینصورت بعد خلقی انقلاب ناپدید گرفته میشود و خواستخواه بعد ضد خلقی جای آن را می گیرد. اگر دولت بخواد توقبات سرمایه را بر آورد، نقض غرض نه فقط در برخورد با مسائل و ماهیت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است، بلکه شکست انقلاب در نیل به هدفهای ضد امپریالیستی را در خیل خواهد داشت. پذیرش راه رشد غیر سرمایه داری در شرایط حاضر جهان و ایران یگانه راه حصول اطمینان - بخش به هدفهای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب عظیم مردم ایران است. هر نوع عدولی از این راه، تحت عنوان حمایت از سرمایه، نتایجی غیر از

آنجکه توده های محروم و دستمزد انتظار دارند، ببار می آورد. صنعتی کردن تنها شامل برنامه های ایجاد رشته های مختلف صنعتی و تکیه بر رشد مقدم صنایع تولید وسائل تولید نخواهد بود. این امر توجه به یک سلسله اقدامات اساسی زیربنایی (انفر استرکچر) را در بر می گیرد، که هم شامل اقدامات اساسی زیربنایی ایجاد و توسعه شبکه های وسیع راهها، راه آهن، بنادر و ترقیت نیروی ماهر کار و متخصصین در همه سطوح می گردد، و هم اقدامات اساسی زیربنایی بهبود وضع مادی زحمتکش، ارتقاء سطح سواد، آموزش، بهداشت و ایجاد شبکه های تأمین سلامتی و تندرستی کل جامعه و محیط زیست را شامل میشود. در ارتباط با برنامه صنعتی کردن کشور، دولت انقلاب وظیفه دارد که در کلیه زمینه های یاد شده اجرای چنان برنامه هایی را در نظر گیرد، که در نتیجه نهایی به تسریع در روند صنعتی شدن اقتصاد کشور و بهبود قابل ملاحظه شرایط مادی و معنوی قاطبه زحمتکش کمک کند.

تأمین پیشرفت کشاورزی خود - کفائی در تولید محصولات غذایی، ارتقاء سطح زندگی و خاتمه دادن به فقر موجود بسیار ناگوار در روستای ایران، وظیفه عمده و اساسی دیگری است که در پرابین دولت انقلاب قرار دارد.

اکثریت جمعیت کشور ما را ساکنان روستاها تشکیل می دهند. اینان در عقب ماندگی و فقر و محنت نگاه داشته شده و به معنی واقعی کلمه تا همین امروز مسیر ظلم قرون وسطائی، استبداد موحش بر خاسته از نظام فئودال - ملاکی و ارباب رعیتی و فقر ناشی از غارت بی امان دستمزد خود، چه بوسیله استثمارگران ده و چه واسطه های عرضه محصولات کشاورزی، باقی مانده اند. سکته روستایی و دهقانان زحمتکش ایران را باید از این وضع طاقت فرسا نجات داد.

کشاورزی ایران در دوران تسلط طاغوت از دو جهت و بعد به خرابی و ویرانی کشانیده شد. اول بخاطر تأمین مقاصد دول امپریالیستی و در نوبه اول امپریالیسم آمریکا، که نقشه ورشکستگی اقتصاد روستایی و محتاج ساختن ایران به واردات محصولات کشاورزی را به اجبار گذاشته بود. دوم از نظر تأمین منابع فئودال و ملاکین بزرگ، که شاه سابق و خانواده اش در رامی آنها قرار داشتند. بهین دو علت امر - یالیستی و رژیم دست نشانده آنها از تأمین خواست توده دهقانان در اصلاحات ارضی واقعی و دمکراتیک سر باز زدند.

اصلاحات ارضی نیم بند و دروغین از بالا، در چارچوب منافع دول امر - یالیستی و فئودال و بزرگ مالکان وابسته به آنها، زبان عظیمی به توده دهقانان زحمتکش و کشاورزی ایران وارد ساخت. صد ها هزار خانوار دهقانان زحمتکش از هستی ساقط شده به شهرها روی آوردند. ایران از وضع کشوری خود کفائی تولید محصولات کشاورزی، به صورت کشوری در آمد که محتاج است تا ۷۰ درصد مواد غذایی خود را از خارج وارد کند.

وظیفه مهمی که در این شرایط در برابر دولت انقلاب قرار می گیرد و اجرای آن از فوریت و اهمیت عظیم برخوردار است، اجرای بدون تاخیر اصلاحات ارضی واقعی و دمکراتیک، مبتنی بر ریشه کن ساختن بقایای نظام ارباب رعیتی و مالکیت های فئودال - ملاکی است که خوشبختانه گامهای اولیه در راه آن، با مصوبات شورای انقلاب برداشته شده است. در زمینه اجرای اصلاحات ارضی، منافع توده دهقانان و اقتصاد عمومی مملکت اقتضا دارد که، این اصلاحات بر اساس پایه گذاری و تشویق و ترغیب زحمتکش روستا به تولید

جمعی، مکانیزه و بزرگ، یعنی ایجاد تعاونیهای تولید کشاورزی و حمایت از کشت و صنعت های دولتی بعمل آید. تنها این راه رشد در کشاورزی می تواند هر چه سریعتر موجبات رفاه توده کشاورزان زحمتکش را فراهم آورد و کشور را از واردات محصولات کشاورزی از خارج بی نیاز و نیازمندیهای حال و آتی رشد صنعتی را بر آورده سازد. امر مبادله و عرضه و توزیع کالا، تقسیم درآمدهای نفت و بوسه، سیاستهای مالیاتی و گمرکی و ارزی و بانکی و نظایر آن نیز از امور دولت انقلاب، راه حل مشخص خود را داشته باشند. در حل این مسائل نیز ماهیت اصلی و اساسی خلقی بودن انقلاب ایران باید معیار اتخاذ هر نوع تصمیم باشد، چه در صورتی که این اصل در نظر گرفته نشود نمی توان به صنعتی کردن کشور و پیشرفت کشاورزی و تأمین رفاه توده مردم نائل آمد.

حل مسائل گران و تورم، کمبود کالا و جلوگیری از احتکار و نظایر آن، که بخصوص در شرایط کنونی با من زدن ضد انقلاب به عدم رضایت از وضع اقتصادی، از اولویت خاصی برخوردار است. مستلزم اجرای فوری اصولی مانند اصل ملی کردن

بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی است. بخصوص ضرورت دارد که واردات ابزار تولید و کالاهای اساسی مورد مصرف همگان منحصرأ در حیطه تدارک و توزیع دولتی قرار گیرد. امپریالیسم و سرمایه داری وابسته سنی دارند از این جنبه های ضربات جدی به جمهوری اسلامی و انقلاب وارد آورند و از سر و سامان یافتن اقتصاد ایران جلوگیری کنند. باید این تلاش خطرناک را با اتخاذ تدابیر جدی و قاطع، با استفاده از اهرم ملی کردن بازرگانی خارجی، متوقف و خنثی ساخت.

کنترل و نظارت بر بازار فروش ابزار تولید و کالاهای مورد مصرف همگانی از نظر کنترل قیمت ها و جلوگیری از گرانی اهمیت درجه اول دارد. تا زمانیکه این امرها در دست دولت قرار نکرده اند، اقتصاد عمومی مملکت از جانب بخش خصوصی کمپرادوری، که در عرصه فروش کالا و بازرگانی داخلی و خارجی، مواضع عمده را در اختیار دارد و بسود ضد انقلاب و منافع خود عمل می کند، هم چنان ضربه پذیر باقی خواهد ماند. دولت جدید باید در برنامه خود برای مواجهه با این وضع، به اتخاذ تصمیمات قاطع، مبارزه روز.

دولت جدید در برابر حل بسیاری از مسائل مهم اقتصادی - اجتماعی قرار گرفته، که بر آوردن خواست توده مردم زحمتکش و انقلابی ایران در رهائی از فقر، عقب ماندگی، بیسوادی، فقدان بهداشت و مسکن و گران گوشه ها و زوایای کوفتگون آن را تشکیل می دهد. حل این مسائل تاخیر بردار نیست. دولت جدید در کلیه این زمینه ها باید از اشارات کلی فراتر رود و به میلیونها مردمی که بحق از انقلاب انتظار بهبود وضع خود را دارند، برنامه های عملی، مشخص و ملموسی را ارائه دهد. هرگاه بخواهیم آنچه را که پیرامون حل مسائل اقتصادی - اجتماعی در لحظه و مرحله کنونی انقلاب ایران نوشته ایم، به اختصار بیان کنیم، باید بگوییم:

دولت جدید انقلاب در صورتی به انجام وظایفی که در این زمینه بر عهده آنست توفیق حاصل می کند، که برنامه مشخص صنعتی کردن کشور، اصلاحات ارضی عمیق و دمکراتیک و تغییرات اساسی و بنیانی در نظام مبادله و توزیع کالا و تقسیم منابع مالی در جهت تأمین استقلال اقتصادی و رعایت منافع توده های زحمتکش را ارائه دهد - یعنی همان اصولی را از قوه قبضه در آورد، که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن را تصویب کرده و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران تحقق آن را خواستار است.

# مسائل قبایل و عشایر در ایران

ایران انقلابی که می‌رود دارد مرحله سازندگی و تغییر بنیادی ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه خود، نمی‌تواند میلیون‌ها ایرانی را که بنام عشیره و ایل از آذربایجان تا فارس، و از خوزستان تا سیستان برانگیزد، نادیده انگارد. اینها از محروم‌ترین و دردمانده‌ترین هم‌میهنان ما هستند. شرایط کار و زندگی آنها بی نهایت عقب‌ماندگی است و حل مسائل مربوط به آنها نه تنها دارای اهمیت اقتصادی است - بویژه از نظر دامداری، که شغل اصلی اکثریت آنهاست، و تهیه گوشت مورد نیاز و سایر مواد اولیه ناشی از دامداری - بلکه دارای اهمیت سیاسی، بویژه از نظر جلب این نیروی عظیم انسانی به اغلاب و خارج کردن قلمی آنها از دایره نفوذ عناصر ضدانقلاب و وابستگی به امپریالیسم است، که بر طبق رسوم سنتی هنوز قدرت اعمال نفوذ فراوان دارند.

عداوت‌ها چقدر است؟ کسی دقتاً نمیداند. در بسیاری نقاط حدود ۱۰ تا ۳۰ درصد آنها حتی شناسنامه ندارند. چه بسا ازدواج‌ها نیز در هیچ سند رسمی قید نمیشود.

مسائل عدالت و اولویت حل این مسائل کدام است؟ هنوز باید مطالعه جدی انجام شود، تا پاسخ درست مسئله پیدا شود. ولی طرح مسئله کاملاً حادث است و کاملاً ضروری است. بویژه بدین‌حال حل مسئله آرضی بر مبنای از بین بردن مالکیت‌های بزرگ استوارگرفته و زمین‌دار کردن دهقان تبه‌دست، که انتظار و امید کنونی روستای ایران است. حل مسائل قبائل و عشایر تفریق نداشتنی و تاخیرناپذیر نیست. آزاد کردن صدها هزار نفر از عشایر تبه‌دست از سلطه طولانی و گرنان‌بار فئودال، باید با بی‌ای حل مسئله رزمی پیش رود و آنرا کامل کند. همه کسانی که اندک آشنائی با وضع عشایر دارند، میدانند که مده‌ترین مسائل فوری و حیاتی آنها عبارتست از:

- ۱- مسئله تغذیه دام و کسب درآمد.
- ۲- مسئله خدمات دامپزشکی و بازده با بیماری‌های دامی و واکنش گردن حیوانات.
- ۳- مسائل رفاهی، بویژه آموزش بهداشت، که اغلب مناهیم بکلی شناخته‌ای در جامعه عشیره‌داری است.

۴- مسئله دام و کلمات دولتی و مقدار آن و نحوه اعطای آن و شرایط و تالیف حاصله از آن، چه در زمینه تولید و چه در زمینه وضع زندگی.

ولی این عمده‌ترین مسائل فوری، بر زمینه شرایط ویژه و کاملاً مشخصی مطرح میشود که در هر استان ایران بنحو متفاوتی وجود دارد و برای حل آنها يك برخورد جدی و مسئول و يك بررسی عمیق که از موضع آشکار جانبداری از توده‌های مستضعف عشایر صورت گیرد، ضرورت دارد.

نخستین نگاه بجامعه کنونی ما نشان میدهد که در روستاهای ایران، بفر از زندگی دهقانی که مبتنی بر نظام کشاورزی است، حیات اجتماعی دیگری بنام نظام عشایری دیده میشود، که تولید در آن عمدتاً مبتنی بر دامداری است.

این قبایل در پاره‌ای از مناطق مانند فارس، بنام ایل، و در قسمت دیگری مانند خوزستان، بنام عشایر، و در بلوچستان بنام طوایف، و در بعضی از نواحی نیز قبیله نامیده میشوند. بخشی از این قبایل ساکن و بخشی دیگر متحرک‌اند و سیلاب و قتل‌عام میکنند و زندگی چادرنشینی دارند.

در بعضی از نواحی ایران، مثلاً در کرمان و ترکمنستان و لرستان، قبیله‌ها گسرسه ساکن شده‌اند، ولی تولید آنان عمدتاً مبتنی بر زراعت است و ساخت قبیله‌ای آنان همچنان محفوظ مانده است، تنها در سیستان و فارس، قبایلی که به فارسی تکلم میکنند، دیده می‌شود. بقیه قبیله‌ها به زبان دیگری مانند ترکمنی، کردی، لری، ترکی و عربی سخن میگویند.

جمعیت عشایر ایران راه که به صورت چادرنشینی زندگی میکنند و به‌بازر دیگر، سیلاب و قتل‌عام دارند، حدود ۲۰۰ هزار خانوار تخمین میزنند. ولی جمعیت قبایلی که ساکن هستند، ولی ساخت ایلی خود را حفظ کرده‌اند، بالغ بر یک میلیون خانوار میشوند.

اقتصاد حاکم در بین دو دسته‌ها خانوار (۱۱ میلیون تن) عمدتاً مبتنی بر دامداری است. این خانوارها با فقر زیاد روبرو هستند و اغلب در حالت حرکت از سیلاب به قتل‌عام، و در سرما و گرما زیر چادر زندگی میکنند.

هر خانوار بطور متوسط مالک ۱۰

عمدتاً برخورد مصرفی است. گاهی هم، برای جبران کمبود بودجه و نجات خانواده، غارت دهات و تولیدات روستایی که در مسیر گذر قرار دارد، اساس کار قرار می‌گیرد. گاه و بویژه هنگام خشکسالی و سوخته شدن مراتع، عشایر سر راه خود در کشتزارهای دهقانان کبزمین و مزارع دهقانان خرده‌پا نیز دامها را می‌چرانند و کشت را نابود میکنند. عشایر فقیرتر از دهقانان کم‌زمین‌اند، و نه تنها توسط قهر طبیعت در معرض خطر قرار میگیرند، بلکه توسط سلف‌خران شهرک‌ها نیز چپاول میشوند.

در گذشته، در مواقع بروز خطر و هنگام باج‌گیری‌خانی و کلاتران از دولت‌های مرکزی، به لحاظ حاکم بودن ساخت ایلی بر جامعه عشایری و نیرومند بودن ویژگی‌های پسر-سالاری، همواره عشایر تبه‌دست دگرزی گوشت دم تسوپ و آماج گلوله‌ها قرار می‌گرفتند و قربانی منافع خانها می‌شدند و هنگام قدرت دولت‌ها نیز، بجای خوانین، قتل‌عام می‌شدند.

بررسی جنگهای عشایری در ایران نشان میدهد که، نباید هرگز ایل را، که ساخت معینی دارد، با رئیس ایل (خان) اشتباه کرد. خان اغلب در راس قبیله قرار می‌گیرد و وظایف اداره ایل را بر عهده دارد. دز قدیم زمینها و مراتع ایلی در مالکیت قبیله بود و نه در اختیار خان. بعداً خان یا خانهای کوچک (کلاترها)، اراضی قبیله‌ها را بالا کشیدند و مالک زمیندار شدند و ایلات تبه‌دست ماندند. بنا براین نباید همه را با يك چوپرانند و کاری انجام داد که عشایر راوار شوند، تا بصورت عساکر خوانین درآیند و از منافع آنان دفاع کنند، اما عشایر و ایلاتی که عمدتاً ساکن هستند، ولی ساخت ایلی خود را حفظ کرده‌اند، در نظام اقتصادی که مبتنی بر تولید زراعی و دامی است، بسر می‌برند. این عشایر به صورت دهقانان تبه‌دست و خرده‌پا و مرفه در روستاها زندگی میکنند. حیات عشایر تبه‌دست فرق چندانی با زندگی دهقانان تبه‌دست ندارد. این عشایر توسط سلف‌خران از يك سو، و بوسیله بزرگ‌مالکان (خان-های سابق) از سوی دیگر، مورد بهره‌کشی قرار میگیرند، کم آبرو اندک‌بودن زمینهای زراعی آنان، که بطور متوسط کمتر از ۲ هکتار است،

نقل و انتقال دام دیگران را هم می‌برد و زیاد میکند شریک‌میشود. ۳- بزرگ دامدار، که گاه چند هزار دام دارد و اغلب خانواده‌های کوچک است، و چه بسا با حدود ده هزار گوسفند برآید. اگرچه بزرگ‌دامداران البته چوپانهای برای نگهداری دارند و اگرچه خودشان هم همراه هستند، ولی عده زیاد دامها را تنها با بخدمت گرفتن چوپان‌های متعدد میتوان نگهداری کرد.

بزرگ‌دامداران از اغلب امکانات دولتی، و منجمله علوفه و دام و اجاره مراتع، استفاده میکنند و میتوانند به بهره‌کشی از چوپانها و مزدبراها بپردازند، چه بسیار دیده میشود که اهالی عشیره را به بیگاری نیز وامیدارد.

برای حل مسائل اجتماعی و اقتصادی عشایر و قبایل باید در جهت منافع طبقاتی زحمتکشان تصمیم گرفت و ظلم و بهره‌کشی را، که پنحو کاملاً مشخصی در محیط عشیرهای مطرح است و آمیخته با بقایای قهرمندی نظامات پدسالاری و سنت‌های وابستگی عشیره‌ای و خونی است، ریشه‌کن کرد.

بدون چنین برداشتی، مسائل رفاهی و زندگی روزمره عشایر را نمیتوان حل کرد و از این اسفناز برخوردارهای درون‌ایلی یا بین عشایر و دهقانان سر راه راه، که دیگر در جامعه انقلابی ما قابل توجیه و قابل قبول نیست، نمیتوان از بین برد.

در بین عشایر نیز بهداشت خبیری نیست. مدرسه نمیتواند وجود داشته باشد. از درمانگاه و پزشک نیز آثری نمیتوان یافت. در این جامعه تولید

۱۵ راس گوسفند و بز است. خانوارها به دنبال آنها با زن و کودکان در حرکت‌اند. البته کم نیستند عشایر دامدار ساکن در ده که خانه ثابت دارند. در اینصورت مثلاً ۱۵ خانوار از ۴۰ خانوار ده کوچ می‌کنند و با خود گوسفندان همه ده را می‌برند. اینها زمین‌زراعتی هم دارند، و آنها که میانند، به کارهای زراعتی سر و صورت می‌دهند. در این حالات، اشکال بسیار چالپ تعاونی و هیئتی و ستهای محکم، برای تعاون واقعی آنها که در سیلاب می‌مانند و آنها که به قتل‌عام می‌روند، و آمیختگی در نوع کار زراعی و دامداری و بهره‌بردن هر دو دسته از هر دو نوع کار دیده میشود، که گاه در درون خانواده است و گاه به شکل روابط پولی هم درمی‌آید. ولی البته ساخت طبقاتی عشیره بسیار بفریب است و درست برای حل مسائل باید این ساختار طبقاتی را شناخت و بر شالوده امکانات کمک دولتی و شکل تعاونی کار و تولید، زمینه را برای راهی تبه‌دست‌ترین عشایر از زنجیر استثمار و ظلم فراهم ساخت.

علیرغم خصوصیات جغرافیایی منطقه، که گاه بسیار مهم است و ناشی از زندگی وابسته به اقتصاد دامی است، بطور عمده میتوان سه گروه را در بین عشایر از هم تمیز داد:

- ۱- مزدور یا مزدبدر، که خود هیچ گوسفند ندارد، مال عشیره را میبرد و زیاد میکند و برمیگردد و از این راه ابرتراق میکند.
- ۲- شریک یا سهم‌بدر، که خودش هم دام دارد، ولی کفی نیست، و در

## آنچه نباید کرد

صحنه زندگی و کار عشایرانظرسوقه العجیبی و امکانات ضدانقلاب برای رسوخ و تحریک و آتش افروزی، صحنه بسیار مهم حیاتی است. باید آنرا از چنگ‌عالم امپریالیسم پدر آورد. تنها راه قلمی و بنیادی رسیدن به این هدف، تحمل بنیادی و واقعی مسائل عشایر است تا بتوان ۶ میلیون افراد عشایر و قبایل را با تمام قلب و روح در کنار انقلاب و مدافع انقلاب قرار داد. از درسهای منفی رژیم گذشته باید آموخت، باین معنا که، بنحوی خلقی و با برداشتی بکلی تازه، با این مسائل بر-خورد کرد و آنها را در عمل و بسود زحمتکشان عشایر و از راه کوتاه کردن دست خوانین و زورگویان و چپاولگران و با احتراز از هرگونه دغل‌کاری دستگاه اداری و انتظامی، که اعتماد عشایر را از ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی سلب کند، حل نمود.

روز چهارشنبه بیستم مرداد ماه، ریزش‌های زیر عنوان «تدیس‌های دره» از زندگی و کار عشایر قشقایی چاپ کردیم، که خواننده‌اید. تدیس‌ها ساخته و پرداخته نظام ظلم و بهره‌کشی هستند. انقلاب ما باید بتواند آنها را بوزنه‌ها بسیرد. انقلاب ما باید بتواند بجای آنها بیکردهای شکوفای انسانیت پی امید و سربلند و بیروز را بسازد.

عیدیه و حیاتی آنها طبق برنامه معین و بطور جدی مطالعه و حل شود.

رضاخان دستور میداد که بر روی چادر سیاه عشایر چلوار سفید بکشند. محمه رضا بهنگام مضحکه «چشمنای» ۲۵۰۰ ساله، کلیه چادرهای عشایر را بزور زاندارم از خطسیر شیراز - تخت جمشید - پاساژگاد و اطراف برچید، تا حتی با هلیکوپتر هم چادرهای سیاه در کشور انقلاب سفید(۱) دیده نشود.

رضا خان بزور سرنیزه، زیر عناوین اسکان و تخت‌چاپوه، توده زحمتکش و اسیر عشایر را زیر شدیدترین فشارها قرار داد. در زمان محمد رضا نیز خانه‌های گلی اسکان مدرن(۱) عشایر، در سرحد چهار دانگه، در همان زمستان سال احدات بر سر محرومان عشیره خراب شد.

انقلاب پدوران پهلوی‌های فاسد و جنایتکار وابسته به بیکنه و خدنگزاد چپاولگران ختمه‌خا، انقلاب باید به‌دوران برخوردی سطحی، یا مزورانه یا ظاهری، سازی، یا غارتگرانه، یا سرکوب‌گرانه یا مسائل عشایری نیز خاتمه دهد.

از او خواسته میشد، گزارش مرتب از وضع عشیره و روحیه افراد و عقاید و عمل آنها.

«سازمان دامداران متحرک» در منابع طبیعی، اگر کاری کرده باشد، مرهون ابتکار و فعالیت فردی بوده و کارمردرد «حمام‌کن» برای زودن کنه از حیوانات بوده است. تازه حمام مربوطه بر شهابت به آثار باستانی نیست. بودجه این سازمان هم وسیله‌ای برای پسر کردن جیب‌های گردانندگان غالب‌بده میشد.

«مراحان مدرن» هم وقتی برنامه‌ای را «بیباده» میکردند، کاری جز کپی‌کردن فرمولهای کشورهای دیگر، آنهم نه‌کشورهای کم و بیش مشابه ما، بلکه کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری (سفر به آنجاها و «مطالعات» البته چالپ‌تر بود) انجام می‌دادند. مثلاً یکی از طرحهای عشایری در ایران، درست نسخه بدل کامل و بدون تغییر يك طرح استرالیایی بود!

«سازمان برنامه» در بخش عشایری خود، کازل دیگری بود برای بالا کشیدن بودجه‌های اختصاصی و درعین حال وسیله جاسوسی در درون عشایر. برای ساواک اهمیت

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

دیروز دومین سالروز کشتار سینما رکس آبادان و روز تجلی خشم خلق بود. تجلی خشمی که از سینماهای سوزان مردم قهرمان مابیسورت فریادهای «مرگ بر آمریکا» زبانه کشید و قلب دشمنان انقلاب را آماج شعله‌های خویشت کرد. تجلی خشمی که پس از گذشت ۲ سال از فاجعه کشتار مردم بیگناه در سینما رکس آبادان، هنوز جوشندگی و توفندگی روزهای نخست خود را حفظ کرده بود.

دیروز مردم اهواز و آبادان، به دعوت از کارکنان انقلابی شهر، عزای عمومی برپا داشتند و طی یک راه پیمایی باشکوه، به سوی مدفن‌صدها تن از مردان، زنان، پیران، جوانان و کودکانی که در آتش جنایت امپریالیسم سوختند، شتافتند. آنان یکپارچه و مصمم بر سر مزار آن عزیزان پیمان بستند که تا نابودی کامل نازیستکی‌ها به امپریالیسم آمریکا، تا سرکوب تمامی عوامل و مزدوران شیطان بزرگ و تا پیروزی کامل انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران ازینا نشینند و مبارزه خود را علیه تمامی دسایس و توطئه‌های شیطانی آمریکای جنایتکار ادامه دهند. مردم قهرمان خوزستان خواهان محاکمه سریع و انقلابی عاملان این

جنایت هولناک شدند و خاطره قربانیان بیگناه فاجعه سینما رکس را در فریادهای رزم و دلوری خود گرامی داشتند.

دیروز دومین سالگرد سینما رکس بود. فاجعه‌ای که در آن ۱۰۰۰ تن از مردم ایران، در آتش نفرت امپریالیسم نسبت به مبارزات قهرمانانه مردم ایران، سوختند و داغ ننگ دیگری بر پیشانی رژیم وابسته و جنایتکار شاه مخلوع باقی گذاردند.

دو سال پیش در چنین روزهایی عمال جنایتکار شاه مخلوع، این دست‌پروردگان مکتب جنایت و شقاوت امپریالیسم آمریکا، به کردار اربابان هیتلرمنش خود، در سینما رکس آبادان کوره آدم‌سوزی برپا کردند، راه‌های فرار مردم بیگناه را، که به تماشاخانه فیلم مشغول بودند، بستند و با گزاهای مخصوصی که از اسرائیل وارد کرده بودند، پیش از آنکه از تماشاخانه سینما را به آتش کشیدند. آنها می‌خواستند که با این جنایت هولناک ضد بشری به خیال خود از سوئی غم مردم ایران در سرنگونی بساط ظلم و غارتگری رژیم شاه سابق را سست کنند، و از سوی دیگر با انداختن مسئولیت این فاجعه جنایتکارانه بدوش مبارزان ضد امپریالیست و ترقیخواه ایران،

## در دومین سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان: با اتحاد انقلابی خلق، توطئه‌های امپریالیسم امریکار افسا و سرکوب کنیم

محاکمه و مجازات سریع عاملین فاجعه سینما رکس خواست مردم ایران است.

در جهت ایجاد شکاف بین نیروهای خلق برایش سودی نداشت. مردم قهرمان، با اتحاد یولادین و نبرد حماسه‌آفرینشان، غول بزرگ تجاوز، غارت و جنایت را سرنگون کردند و ضربه سترگ و عظیمی بر پیشر امپریالیسم آمریکا وارد آوردند. بدنبال پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، مردم قهرمان ما و بویژه اهالی خوزستان و بازماندگان شهیدای سینما رکس آبادان، انتظار داشتند که دادگاههای انقلاب بطور سریع و قاطع جزئیات این فاجعه را روشن کند و عاملین جنایتکار آنرا به

مجازات رساند. لیکن مقامات مسئول به این انتظار بحق مردم واقع‌چندان نگذاشتند و تظاهرات و درخواست‌های مکرر مردم برای تشکیل دادگاه مجرمین، تا چندین پیش با بی‌توجهی رویو بود. تنها چند هفته پیش دادگاه انقلاب اسلامی آبادان با انتشار لیست ۳۲ نفر از متهمان این جنایت، آنان را احضار کرد. این عمل گرچه با تأخیر بسیار انجام گرفت، لیکن اگر بطور جدی و بی‌گیر انجام گیرد، می‌تواند به خواست بنحیض مردم زجر زیده خوزستان و تمامی مردم قهرمان ایران جامه عمل ببوشاند. محاکمه و مجازات جنایتکاران این فاجعه هولناک نه تنها بیانگر عزم

بین صفوف متحد خلق در نبرد با امپریالیسم آمریکا و رژیم وابسته اش تفرقه بیندازند. تبلیغات بلندگوهای مزدور رژیم گذشته در این جهت بخوبی نمایانگر مقصود پلید این سیه‌دلان بود. اما با وجود تمامی این فعالیتها، نقشه آنان با شکست مواجه شد و «دراشتاک» شاه سابق، برخلاف انتظارش، بدل به آوار میبوی گشت، که بر سر او و رژیم فاسد و مزدور ویران شد.

گورستان آبادان، که رژیم می‌خواست از آن صدای نوحه و ناله بازماندگان فاجعه برخیزد، انعکاس دهنده خشم و نفرت خلق گشت.

و شور مبارزاتی خلق در نابودی تمامی عاملین کشتار و شکنجه دوران ۲۵ ساله حاکمیت رژیم شاه سابق است، بلکه نشانه‌دهنده استواری آنان در تصمیمشان برای نابودی و از هم گسستن تمامی پیوندهای اسارت و وابستگی به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکای جهانخواه است. مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی آبادان باید با توجه به این خواست برحق و انقلابی مردم، بدون هیچگونه مسامحه و سستی، دژخیمان را به پای میز محاکمه کشند.

ما در دومین سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان، ضمن گرامیداشت خاطره قربانیان آن و ابراز همدردی با بازماندگان این جنایت عظیم، همبای مردم قهرمان ایران خواستار مجازات سریع عاملان آن هستیم و پیمان می‌بندیم که در مبارزه با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکای جنایتکار، را که نقشه‌های توطئه‌گرانه‌اش علیه انقلاب هر روز فزونی می‌یابد، مانند همیشه صدای اتحاد و تفاهم انقلابی باشیم. اتحاد و تفاهمی که تنها ضامن غلبه بر توطئه‌ها و برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران است.

### چشم استقلال افغانستان

مردم افغانستان دیروز جشن استقلال خود را بزرگ داشتند و بدین ترتیب سالگرد پیروزی خود را بر نیروهای بریتانیایی برای شصت و یکمین بار جشن گرفتند. اتحاد شوروی از نهضتین کشورهای بود که استقلال افغانستان را بر رسمیت شناخت.

مردم افغانستان اینک به پرکت انقلاب دموکراتیک سال ۱۳۵۷ و علیرغم مداخله مسلحانه کشورهای امپریالیستی و وابسته و مانوئیست‌های چین، راه نوسازی‌های بنیادی را آغاز کرده‌اند.

استراتژی دیوانگی کارتر کاس‌هال، دبیر کل حزب کمونیست آمریکا، دولت کارتر را بخاطر دادن زدن هیستری جنگ و افزایش سرمایه‌آورد تولید تسلیحاتی مورد حمله شدید قرار داد. وی در کنفرانسی مطبوعاتی در «باشگاه ملی مطبوعات» در واشنگتن، استراتژی هسته‌ای جدید دولت را «استراتژی دیوانگی» خواند.

کاس‌هال به تعهد کارتر در سال ۱۹۷۶، مبنی بر کاهش بودجه تسلیحاتی اشاره کرد و گفت که این بودجه در سال ۱۹۸۱ دوباره بیکره سال ۱۹۷۶ خواهد بود.

**نامه مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۱ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) فلا در اشغال عناصر غیرمسئول است  
**NAMEH MARDOM**  
No. 312  
20 August 1980  
Price: West-Germany 8.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 50 Cts.  
Sweden 1.50 Skr.

از دواجهای مجدد، شرولانی درباره قوانین طلاق در اسلام مطرح کرد و گفت: «آیا طلاق غیابی بسا اصول اسلام منطبق است؟ اگر بخواهیم ستم و اثرات ستم رژیم پیشین را بر زن اذین ببریم، باید عدالت را در خانواده پیاده کنیم. حقوق فراوانی که اسلام به زن داده و در طول هزاران سال متروک افتاده باید به زن برگردانده شود».

وی آنگاه از وزارت بازرگانی خواست که از ورود اشیاء لوکس و لباسهای کران-قیمت از خارج جدا جلوگیری کند. خاتم دستفیب همچنین تذکراتی درباره وضع آب و برق داد.

خانم اعظم «لاتانی» کتابتذکر داد که در مورد اخراج زنان و بستن مهد کودکها بیشتر دقت شود، چون دشمن سعی دارد بین مردم، بخصوص زنان شایسته پراکنی کند. باید دقیقاً روشن شود که دولت چنین فکری در نظر ندارد.

آنگاه تا جگر دادن، نماینده کجساران، درباره چگونگی حادثه انفجار انبار مهمات توضیحاتی داد و آرزو کرد که این بی-دقتی، که در ارگانهای اجرائی کاملاً مشهود است، از بین برود. وی گفت: «من از مسئولین میخواهم روشن شود که علت آتش‌سوزی (که باعث انفجار شد) چه بود. شاید زیربرده مسائل دیگری نیز وجود داشته باشد».

سپس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در ارتباط با روز ۲۸ مرداد گفت: «۲۸ مرداد اصولاً مثل اینکه روز نوحی در تاریخ ما بوده است. چهار فاجعه در این تاریخ اتفاق افتاده:

- ۱- کودتای ۲۸ مرداد که ده‌ها سال بعد از آن کودتای آمریکائی و انگلیسی و نعل ایرانی آنها، چه پلاهایی که در این ۴۰ سال بر سر مردم ما نیامد،
- ۲- کشتار مردم پاره پارسال در همین روز بود.
- ۳- فاجعه سینما رکس آبادان که امروز مصادف با سالگردش است. رژیم جنایتکار پهلوی برای چند روز حکومت بیشتری چه جنایتی انجام داد. ما این راهم بحساب اربابان، که کودتای ۲۸ مرداد را انجام دادند، می‌گذاریم.
- ۴- حادثه انفجار انبار مهمات در «کجساران».

وی احتمال داد دست جنایتکاری که بقیه جنایات را انجام داده، در این مساله هم باشد.

سپس مخبر کمیسیون تحقیق گزارش پرونده اشتباهاتی کلیه ایگان و خواسار و اعتبارنامه جعفر توکلی را خواند اعتبارنامه جعفر توکلی، بدلیل انتخاباتی، با ۹۹ رأی مخالف در برابر ۵۹ رأی موافق و ۳۰ رأی ممتنع رد شد.

در پایان جلسه، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که جلسه علنی بعدی فردا (امروز) ساعت ۹ صبح تشکیل خواهد شد، و در این جلسه اعتبارنامه معین فر مطرح خواهد شد.

## چرا باید همکاران بختیار و کسانیکه در خارج علیه انقلاب کار میکنند، هنوز هم حقوق بگیرند؟

نماینده فسا: کوتاه کردن دست امپریالیسم بسیار با اهمیت است و باید تداوم پیدا کند

نماینده کجساران: علت آتش‌سوزی، که منجر به انفجار شد، باید روشن شود

داشتیم. قاتلین این ۴ شهید هنوز هم آزادانه در کشور رفت و آمد می‌کنند. از مسئولین می‌خواهم که نسبت به دستگیری و مجازات آنها اقدام شود»

سپس عباسعلی ناطق نوری، نماینده نوره در رابطه با سبلی که هفته پیش در نورد چار شد و خساراتی بیار آورد، گفت: «در منطقه ییلاقی نوره، که منطقه کوهستانی است، پس از چندماه خشکی، سبلی آمد که حدود ۳۰ واحد مسکونی، ۷۰۰ گوسفند از گوسفندان مردم روستا - که از چشم‌داران بزرگ - و حتی یک جوان جوان را برد و به بسیاری از مزارع کشاورزی لطماتی وارد کرد».

وی هشدار داد که «اگر زودتر کمک نرسد با نافتان هم ازین خواهد رفت. خواهش من اینست که مسئولین امر و نیز وزارت کشاورزی، که وظیفه‌اش کمک به کشاورزان است، هرچه زودتر به کمک روستائیان برولند».

علیزاده نماینده قشور، نیز به مشکلات حوزه انتخابه‌اش پرداخت و ضمن اشاره به مشکل بیکاری در مازندران، از دولت خواست، تا طبق اصل ۴۳ قانون اساسی که تامین حداقل شرایط زندگی را بعهده دولت جمهوری اسلامی ایران گذاشته، با ایجاد کار، این حداقل زندگی را برای مردم تامین کند.

ناطق بعدی خانم «گوهرالشریعه» دستفیب، نماینده تهران بود. وی پس از اظهار تأسف عمیق از حادثه انفجار انبار مهمات در کجساران، که منجر به کشته شدن عده‌ای از هموطنانمان گشته، به امام و مردم و بازماندگان قربانیان حادثه تسلیت گفت. وی آنگاه در رابطه با تصفیه ادارات و سازمان‌های دولتی گفت:

«با وجودیکه افراد مامور تصفیه افراد مومنی هستند، ولی تجربه زیادی ندارند. میباید بعلت اشتباهاتی خانوادهاهی متلاشی شوند و افراد فاسدی تصفیه نشوند. باید ضوابط مشخص و معین در نظر گرفته شود».

وی سپس به مساله دادگاههای مدنی و طلاق و حقوق زن پرداخت و گفت: «گزارا خواهران و مادران از دور و نزدیک از من خواسته‌اند که چاره‌ای برای افزایش طلاق یبندیم».

وی پس از هشدار درباره طلاق و

در جلسه علنی دیروز مجلس

حداقل مساله «در مساله است. غالب روستائیان از کسی مدرسه شکایت دارند. مساله بهداشت است. بیشتر روستائیان از کمبود و نبودن پزشک و دارو می‌نالند. مساله دیگر آب و برق است. اکثر روستائیان از نظر آب آشامیدنی در مضیقه هستند. مساله برق که متأسفانه نه تنها روستائیان فریاد می‌زنند، خود شهر هم در مضیقه و فشار است. مساله راه، که این هم از نیازهای است که جزوهان حداقل شرایط زندگی است. امیدواریم دولت جدید در حل این مشکلات موفق شود و بطور انقلابی عمل کند و گام‌هایی بردارد که نمی‌گوییم از همان سال اول همه مشکلات حل شود، ولی مردم بدانند که مثلاً سه سال دیگر مشکلاتشان حل می‌شود».

آنگاه حججی نماینده میانه، ضمن سخنرانی گفت: «ملت غیور ایران، فراموش نکنیم آرزوهایی را که ۷۰-۶۰ آمریکائی بر همه شئون ایران مسلط بودند. باشگاه افسران و کاخ جوانان و... لانه فساد شده بود. جوانان ما آلوده به هر و تئ شده بودند. اما امروز این لانه‌های فساد برچیده شده و مشتریان «اشرف» ترک اعتبار کرده‌اند».

وی سپس ضمن اشاره به نارضایتیهای مردم، که بانارضایتی طاقونیان ضربه خورده و منمت از دست داده فرق دارد، از مقامات مسئول خواست که به مشکلات مردم رسیدگی کنند. وی افزود: «امیدواریم دوباره زنجیر عبودیت و رقیت را به گردن این ملت انقلابی نزنند. اینهم مربوط است به فداکاری ما. ما باید انقلابیان را حفظ کنیم».

وی آنگاه از مقامات مسئول سؤال کرد:

«اموالی که پس از پیروزی انقلاب مصادره شده است، کجاست؟ افرادی که خارج از کشور از حقوق بازنشستگی استفاد می‌کنند و ضد انقلابی هستند، بطور کلی افرادی که با بختیار بی‌اختیار همکاری میکنند، چرا باید حقوق بگیرند؟»

حججی آنگاه به مشکلات حوزه انتخابه‌اش اشاره کرد و از مسئولین خواست که نسبت به حل آنها اقدام کنند. وی افزود: «در تظاهرات پیش از انقلاب ۴ شهید،

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که در ساعت ۹ صبح بریاست حجت‌الاسلام رفسنجانی تشکیل شد، وی در رابطه با سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان گفت:

«امروز سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان است. من به نمایندگی از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی به بازماندگان شهیدای سینما رکس آبادان تسلیت می‌گویم».

آنگاه دکتر احمد بهمنی، نماینده فسا، به نوبت نخستین ناطق پیش از دستور گفت: «در روزنامه‌های ۳-۴ روز گذشته مطلبی به چشم می‌خورد، حاکی از اینکه کارتر در روز عید فطر برای مسلمانان آمریکا پیامی فرستاده است و فریدیناند مارکوس دستور داده وزارت امور مربوط به مسلمانان تشکیل شود و در «گازتابلاک» کنفرانسی آفس تشکیل شده. این جریانات نشان می‌دهد که دشمن اول می‌خواهد در میان توده مردم مشروعیت کسب کند و بعد بتواند به ما ضربه بزند. همان همین برنامه‌ها می‌بینیم از طرف متفیان عالم تسن (یکی از نمایندگان هائی ذکر داد که بعضی از متفیان در کشورهای آنظر عرص) مسئله تکفیر مطرح می‌شود، تسن از این راه بتوانند احساسات مردم مسلمان خارج از کشور را نسبت به انقلاب جریحه‌دار کنند. من معتقدم خود این جریانات نشان می‌دهد که موقیعت ما موقیعت حساس و پراهمیتی است و اگر چنین نبود، نه مسئله تکفیر مطرح بود، نه پیام کارتر در روز عید فطر، و نه مسائل دیگر. بنابراین باید توجه کنیم در این موقیعت حساس نه تنها باید اسباب تصفیه انقلاب را فراهم کنیم، بلکه بسا وحدت و هماغویی و اخلاص عمیق در این راه گام برداریم و به پیش برویم. وظیفه ماست که قدر خودمان و انقلابیان را بدانیم و اینک که در آستانه تشکیل کابینه هستیم، توجه بکنیم که چه نیازهایی در درجه اول اهمیت قرار دارد. مساله کوتاه کردن دست امپریالیسم بسیار اهمیت دارد. منظورم اینست که این مساله تداوم پیدا کند. مساله دیگر قطع ایادی استثمار در داخل مملکت است. مساله دیگر عدم توجه به رابطه و توجی عمیق و دقیق و هشیارانه به ضابطه‌ها. مساله مهم دیگر مساله امنیت اجتماعی است، که متأسفانه در «گوته و کنار مملکت با این مشکل روبرو هستیم و می‌بینیم که دشمن از راههای گوناگون امنیت ما را مورد هدف قرار داده و می‌کوشد امنیت ما را در معرض خطر قرار دهد».

وی افزود: «مساله مهمی که الان باید به آن توجه شود، این است که ما باید حداقلی برای زندگی مردم مملکت‌مان به خصوص در روستاها تعیین کنیم. اکثر جاهائی که من سرکشی کرده‌ام، تمام صحبت همین حداقل شرایط زندگی است و خوشبختانه مردم کمک شخصی نمی‌خواهند. نیازها عموماً اجتماعی است و بر محور حداقل زندگی دور می‌زنند. این

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود